

جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع و وطن پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند.

دکتر محمد مصدق

جبهه ملی ایران

فرهنگ انقلابی بجای انقلاب فرهنگی

هفته نامه
شماره ۱۶

پنجشنبه دهم خرداد ۱۳۵۸
تک شماره: ۱۵ ریال

در صفحه ۴

نا آرامی و بحران در خرمشهر

● در خرمشهر حالت فوق العاده اعلام شد
● چند مرکز مهم در خرمشهر دچار آتش سوزی شد

در شهر خرمشهر به دنبال یک درگیری مسلحانه حالت فوق العاده اعلام شد و شهر به صورت تعطیل در آمد و چند نفر کشته و مجروح شدند.

آخرین گزارش رسیده از خرمشهر تا دیروز عصر حاکی بود که در حوادث این شهر حدود ۱۵ نفر کشته و ۲۶ نفر مجروح و بیش از ۳۰ نفر بازداشت شده اند.

تاریخچه شیر و خورشید در پرچم ایران

از دوره بعد از اسلام قدیمی ترین اثری که از شیر و خورشید در دست است در حجازیه پل جزیره «بن عمر» واقع در بین النهرین است. از روی قرینه آنچه در این اثر دربار پل جزیره ای نوشته که توسط جمال الدین نامی در ۵۵۹ هجری ساخته شده است. آنچه از نوشته مورخین و مستشرقین بر می آید از قرن ششم هجری علامت شیر و خورشید بر روی سکه ها و در تذهیب کاری ها، کاشی کاری ها، کتبه کاری ها و بالاخره از روی پرچم مشاهده می گردد در اشعار و آثار ادبی و نویسندگان و بزرگان ادب ایران پیرامون نقش شیر و خورشید و تاثیر بر روی پرچم ایرانیان مواردی بسیار وجود دارد که به عنوان نمونه به نقل از منشی مولانا جلال الدین مولوی نقل می کنیم: «ما همه شیریم شیران علم حمله مان از یاد باشندم به دم تومان هربرت انگلیسی که در سال ۱۰۳۶ هجری قمری سفری به ایران و هندوستان کرده، در سفر نامه خود متذکر می گردد «در واقع شیخ جنید صفوی علامت شیر و خورشید را پذیرفت تا بر روی

پرچم نقش گردد.» ژان شاردن فرانسوی که از سال ۱۰۷۴ تا ۱۰۸۸ هجری قمری دوبار به ایران سفر کرده، در سفر نامه خود بیریق در آنتان را چنین توصیف می کند: «بیریقهای آنها تونک باریک می باشد و به هم رنگها با پارچه های قیمتی ساخته می شود. روی این بیریقها با آیه های از قرآن می نویسند با شمشیر ذوالفقار علی و یا شیری که خورشید طلایی بر پشت دارد نقش می کنند و یکی از مهم ترین مشاغل و مناصب دولتی در ایران منصب علمدار باشی است.» لازم به یادآوری است پس از بقیه در صفحه دوم

گزارشهای اولیه حاکیست در ساعت چهار بامداد دیروز یک اتومبیل پیکان که چند سرتشمن داشت در شهر خرمشهر به حرکت درآمد و با شلیک تیرهای پیاپی آرامش این شهر را بهم زد و پس از یک توقف کوتاهی در ساعت شش بامداد بار دیگر صدای گلوله فضای شهر را پر کرد و این در حالی بود که از داخل رودخانه کارون به وسیله افرادی مشکوک بسوی شیرازی خرمشهر تیراندازی میشد و سرانجام تیرهای کمری و پاسداران وارد عمل شدند و نقاط حساس شهر را به عهده گرفت و تیراندازیهای متقابل آغاز گردید. تیمسار دریادار مدنی استاندار خوزستان که به دنبال درگیریهای خرمشهر وارد این شهر شده بود در این شهر حالت فوق العاده اعلام کرد و از مردم خواست حتی المقدور از خانه های خود خارج نشوند و خون سردی خود را حفظ کنند. نا آرامی های خرمشهر باعث شد تا ارتباط تلفنی این شهر قطع شود همچنین یک گزارش تأیید شده حاکیست که بندر شیرازی پمپ بنزین - پست - مخابرات و دخانیات و چند مغازه در شهر خرمشهر دچار آتش سوزی شده است و راهپای خرمشهر به اهواز و آبادان در حال حاضر بوسیله افرادی که با پاسداران انقلاب در حال جنگ هستند بسته شده است. گزارش دیگری از خرمشهر حاکی است که در جریان این حوادث چهار نفر کشته و هفده نفر زخمی شده اند که از این تعداد سیزده نفر از زخمی شدگان از مهاجمین و چهار نفر از پاسداران هستند. ضمناً حمله به شیرازی خرمشهر با مقابله مأموران نظامی و پاسداری عقب رانده شد. در همین گزارش اضافه شده که به دنبال بازداشت سی نفر امروز (دیروز) هم چند نفر از مهاجمان بوسیله پاسداران انقلاب دستگیر شدند.

آخرین گزارش که در ساعت ۱۵ روز گذشته بدست ما رسید تعداد کشته ها ۸ نفر و مجروحان ۳ نفر ذکر شده است.

اختلاف چشمگیر امریکا و عربستان سعودی

خارجی هردو کشور بروز کرده است. بعضی مواقع عربستان سعودی انتقادات رو به افزایش نسبت به خط مشی آمریکا داشته است. آنها احساس می کنند که واشنگتن از انجام کمکهای همه جانبه به هم پیمان خود شاه ایران خودداری کرد. در نتیجه به برکناری او کمک کرده است. سعودی ها از بهره برداری های بیش از اندازه ای که شرکت های آمریکایی از جاهای نفتشان بعمل می آورند شدیداً بهراس افتاده اند. اخیراً نیز هنگامی عصبانیت آنها به حد اعلا خود رسید که جاسوسان سیا گزارشی به واشنگتن داد تهران

عوارض دریافت گواهینامه افزایش می یابد

عوارض دریافت گواهینامه رانندگی در تهران افزایش می یابد. یک مقام در این باره به روزنامه جبهه ملی ایران گفت در حال حاضر عوارض دریافت گواهینامه رانندگی در تهران به مراتب کمتر از شهرستانها است و به همین دلیل تعدادی از متقاضیان دریافت گواهینامه، از شهرستانها به تهران می آیند و این امر نه تنها متقاضیان تهرانی را در نوبت های طولانی قرار می دهد بلکه از لحاظ عوارض شهرداری پایتخت درصد کمتری دریافت می کند. این مقام گفت در حال حاضر بررسی نهایی در این مورد انجام می شود و به زودی عوارض دریافت گواهینامه تغییر خواهد کرد. میزان افزایش قیمت دریافت گواهینامه هنوز تعیین نشده است.

عملیات ساختمانی بزرگراهها مجدداً شروع شد میزان عوارض شهرداری تغییر می کند

● عوارض نوسازی مربوط به سال ۵۲ است و باید تجدید نظر شود
● مردم باید برای شهر خود و خدمات بهتر همکاری بیشتری کنند

نحوه و میزان دریافت عوارض شهرداری تغییر می کند و ضوابط تازه در ماه آینده از سوی شهرداری اعلام می شود این عوارض نسبت مستقیم با بودجه ای که سازمان برنامه برای شهرداری تصویب می کند خواهد داشت و همچنین زمینهای بایر با فرصتی که بمالکان آنها در مناطق مختلف داده میشود باید دارای تاسیسات شود و در صورت بایر ماندن زمین، دولت حق استفاده از زمینها را خواهد داشت. شهرداری پایتخت در گفتگویی اختصاصی با روزنامه جبهه ملی

آیت الله شریعتمداری: ایران مهمتر از مساله خودمختاری است

آیت الله العظمی شریعتمداری در مصاحبه ای با روزنامه «لیبراسیون» و هفته نامه «نول لیتر» چاپ فرانسه در خصوص مسائلی جاری در مملکت سخن گفت و یادآور شد ایران و تمامیت ارضی آن مهم تر از مساله خودمختاری است و پس از ثبات امنیت و استقرار کامل دولت نوعی از خودمختاری قابل طرح و گفتگو میتواند باشد.

ارتش ما احتیاج به روحیه دارد - بازرگان

مهدی بازرگان در گفتگویی اعلام کرد ارتش بیش از مسلسل و فشنگ به روحیه نیاز دارد و متأسفانه بعضی از زیردستان دادستان دادگاه انقلاب بختنامه منع بازداشت افسران را نادیده می گیرند و در این شرایط که نیاز به ارتش داریم

فرصت اشتغال برای یک میلیون نفر

به منظور جذب نیروهای ملی برای سازندگی کشور طرحی به اجرا گذاشته میشود که براساس آن یک میلیون فرصت اشتغال بوجود می آید.

کاهش میزان حق معالجه

دکتر بهروز برومند سرپرست منتخب دانشگاه علوم پزشکی ایران با حضور در بیمارستان ایران شهر وابسته به دانشگاه علوم پزشکی، از پزشکان و کادر بیمارستان خواست تا حق معالجه را یک سوم کاهش دهند. این کاهش شامل اعمال جراحی، ویزیت پزشکان و کارهای لابراتواری بیمارستان ایران شهر می شود که از روز اول این هفته به مورد اجرا گذاشته شده است.

زبان فارسی را پاس می داریم

شرح در صفحه ۸

قطعنامه سازمان پزشکان و دندان پزشکان جبهه ملی ایران

قطعنامه زیر توسط سازمان پزشکان و دندان پزشکان جبهه ملی ایران در روز جمعه چهارم خرداد ماه صادر شده است:

سازمان پزشکان و دندانپزشکان جبهه ملی که موجودیت خود را در تاریخ ششم دیماه ۱۳۵۷ کتبا و رسماً به مسئول تشکیلات جبهه ملی ایران، جناب آقای دکتر کریم سنجابی اعلام کرده و مبارزات خود را در دوره اختتام شروع کرده خود را یکی از فعالترین سازمانهای متشکل این دوره جبهه ملی میدانند، این سازمان در چهارچوب اهداف جبهه ملی

به استقلال و آزادی و حاکمیت ملی ایمان مطلق دارد. به رهبر خود دکتر محمدمصدق اهداف او همون بوده و به مکتب مصدق ایمان کامل دارد.

روز ۲۸ مرداد را تاریکترین روز تاریخ معاصر ایران میدانند موازنه منفی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نه تنها در ایران، بلکه در تمام جهان سوم تنها راه موفقیت در مقابل استعمار و سلطه دول شرق و غرب دانسته دخالتهای دول خارجی به ویژه دخالت دولت آمریکا را در ایران محکوم میکند

به سیاست خودکفایی صرف هزینه دارد. شما می خواهید شهر ادرست کنید و به مردم خدمات بدهید مردم هم باید هزینه آنرا تامین کنند. پول نماند که در این هزینه را تامین کنند.

اقتصاد بدون نفت و ذخیره هر چه بیشتر نوع گروت ملی را برای نسل های آینده آب و خاک هفتاب ارز و برنامهای اصولی برای سیاست اقتصادی درازمدت میداند.

به انقلاب کنونی ملت ایران که همیشه درصوف اول آن بیگانه کرده احترام مطلق را قائل است. آزادی، استقلال، حفظ امنیت سراسری کشور، رفاه و بهداشت را بطور عادلانه برای تمام ملست خواهان است.

جبهه ملی را سازمان متشکل کننده احزاب، سازمانهای صنعتی و کارگری و دانشجویی میدانند که به اهداف مصدق و مکتب او اعتقاد پارز دارند. بدینی است که در نهایت سرسختی با هر نوع اختتام، استعمار، انحصار و تجزیه طلبی و نفاق افکنی در راه نیل به این آرمانها شدیداً مبارزه خواهد کرد.

سخنرانی در پاکستان به دعوت معلمان پاکستان دکتر ناصر تکمیل همایون در روز ۱۷ خردادماه در این شهر سخنرانی می کند.



دو زادروز مصدق، دانشجویان دانشکده پلیس، برای نخستین بار به دیدار مزار پیشوای درگذشته آمدند، اشک شوق و حسرت باریدند و در آن قلعه نیم ویران که زندان سیاسیها مصدق بود ساعتی با مردم ستم دیده احمدآباد هم کلام شدند.

فرمانده دژبان مسؤول امنیت مقامهای روحانی شد

سرتیپ عزیزالله امیر رحیمی فرمانده دژبان مرکز اعلام کرد امنیت و حفظ جان امام خمینی و رهبران روحانی در قم و تهران زبه دژبان مرکز سپرده شده است. دژبان مرکز در این هفته هفتاد و هشتاد و یک نفر از پویشاندن امور امنیتی در قم رهبران روحانی مقیم تهران را زیر پوشش حفاظتی قرار داد. فرمانده دژبان مرکز گفت پس از سوء قصد به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و ترور آیت الله مطهری و سیدیه قرهانی، امام خمینی امر کردند که کار حفظ جان و امنیت امام و روحانیون در قم و تهران، به عهده دژبان مرکز گذاشته شود.

جناب آقای داریوش فروهر وزیر محترم و محبوب کارگران

بدینوسیله مراتب سپاس خود را از زحمات شبانه روزی شما در آن وزارتخانه اعلام میداریم و تسلیت روزافزون شما را در راه اهداف انقلاب اسلامی و توفیق به ثمر رساندن احقاق حقه کارگران زحمتکش ایران زمین را که آرزوی قلبی شما است از درگاه ایزد یکتا خواستاریم و محبتی که در باره کارگران این مجتمع تا به امروز شده است ارج می نهم. شورای منتخب کارگران جرنقیل و بتون و شن و ماسه و تعمیرگاه بابک

ایران مهمترین مسأله

بقیه از صفحه اول گفتگوست و آن نوع خودمختاری در درجه اول ایرانی بودن همه گروههاست و زندگی عموم مردم در سرزمینی بنام ایران ولاغیر و در حال حاضر آذربایجان مسئله خودمختاری را مطرح نکرده است ولی چنانچه بخواهند به استانی خودمختاری بدهند قهراً آذربایجان هم سهم خود را خواهد خواست و یکی از اشکالات خودمختاری همین است که جنبه سرایتی دارد و مملکت را بشکل فدرال در می آورد. البته قانونی وجود دارد بنام قانون اتحاف ایالتی و ولایتی این قانون از سابق بوده است و بیشتر عمل نشده و اگر این قانون در استانبلی عمل شود به نظر ما تا اندازه ای خواسته های مردم برآورده می شود و بیشتر کارهای استانبلی در همان استانبلی انجام می شود ولی مسأله مهم این است که دولت اسلامی باید به همه استانبلیهای ایران با نظر مساوی برخورد و تبعیضی قائل نشود و به مردمی هائی که بعضی از استانبلی از نظر عمران و آبادی در دوران استبداد داشته اند توجه اساسی نماید.

اختلافات چشمگیر

بقیه از صفحه اول به اورشلیم انجام داد و خصوصاً مسافرتی که از سپتامبر ۱۹۷۸ جهت انجام مذاکرات با کاتر و رگین به دکمب دیویله انجام داد: مقامات مسعودی که انتظار داشتند سادات در مورد انجام این قراردادها آنها مشورت نمایند، چون مذاکرات بدون مشورت آنها انجام پذیرفت شدیداً دلسر شدند و معتقد گردیدند که ابتکار سادات شکاف شدیدی در دنیای عرب بوجود آورده و باعث از یاد رفتن کوششهای رادیکال عرب گردیده است.

ارزش ما احتیاج به

بقیه از صفحه اول نگرانی وجود دارد که هرچه بودجه کمتر تصویب شود مردم باید چیران آن را بکنند. هرچه بودجه بیشتری تصویب شود از باز پرداخت مالیات توسط مردم کاسته خواهد شد. در صورتی که سازمان برنامه بودجه شما را با همان میزان که تعیین کرده اید پرداخت نکنند، شما مجبور به دریافت مالیات بیشتر می شوید. سازمان برنامه هنوز بودجه هیچ وزارتخانه ای را تامین نکرده است ولی نظر این سازمان بر اینست که به تدریج سپرداری به حد خود بسندگی برسد. سپرداری پایتخت خانه نیکویی تربیتی قرار داد و کودکان محروم و معلول را به این خانه منتقل کرد، از سپردار پرسشی شد آیا این برنامه ها ادامه خواهد داشت و می توانیم این امید را داشته باشیم که در آینده دیگر محرومان جامعه و شاید هم سالمندان معلول یا عادی در این خانه ها پذیرائی شوند که بطور حتم کمک معنوی مردم را همراه خواهد داشت. سپردار پاسخ داد حتما اینکارها انجام می شود و در حال حاضر دو خانه دیگر گرفته شده که چون یک خانه های زندگی کند آنرا در اختیار مردم و برای استفاده گروهی قرار

میزان عوارض

بقیه از صفحه اول هنگامی که عوارض زمینهای بایر به علت تقلیل قیمت زمین و در نتیجه تصرف این زمینها توسط دولت دیگر پرداخت نشود کسری بودجه سپرداری از چه محلی تامین میگردد. مقدار قابل توجهی از وصولی های سپرداری خشک شده است، مانند عوارض از اماکن، مشروبات الکلی، سینما - که تعداد آنها کم شده یا مردم کمتر به سینماها می روند - و موارد دیگری هم هست که می توان گفت دیگر نمی توانیم وصولی های گذشته را داشته باشیم. به همین دلیل مشکلاتی با سازمان برنامه داریم، سازمان برنامه به حق این نظر را دارد و خود ما هم همین اعتقاد را داریم که سپرداری باید خود بستند باشد یعنی هزینه های جاری سپرداری باید از درآمدش تامین بشود و مردمی که در یک شهر زندگی می کنند هزینه های خودشان را پرداخت کنند. این مورد ضمن اینکه منطقی است ما هم مردم را باید برای پرداخت چنین هزینه هایی آماده کنیم. آیا مردم قادر به پرداخت اضافی هستند. - بهرحال چاره ای نیست شهر خدماتی می خواهد و خدمات نیاز به صرف هزینه دارد. شما می خواهید شهر ادرست کنید و به مردم خدمات بدهید مردم هم باید هزینه آنرا تامین کنند. پول نماند که در این هزینه را تامین کنند. - معلوم نیست که نه داشته باشند یعنی اینطور نیست که نداشته باشند. - نحوه گرفتن این عوارض چگونه است. - چند لایحه در دست بررسی است زیرا در مورد عوارض نوسازی مبنای حساب درباره نوسازی قیمت های سال ۵۲ بود که با توجه به تغییر قیمت ها در سال ۵۸ مشغول گرفتن مجوز از هیات وزیران هستیم که در سال ۵۸ بر اساس ضوابط تازه طبق قانون هم حق به ما داده و بخصوص از نظر عوارض نوسازی هم یک مقدار می توانیم وصول بیشتری داشته باشیم. مورد دیگری که به حق می باید مالیات گرفته شود، مالیات اوتومبیل های سواری است که فردی که از اوتومبیلی استفاده می کند باید میزانی هم به مملکت بپردازد و این قسمت قابل ملاحظه ای از هزینه های خدمات شهری را جبران می کند، که می تواند میزانی افزایش یابد. - روی این مسأله فکر شده است. - بله و به زودی اعلام خواهد شد و تا چند هفته دیگر ضابطه های جدید پرداخت عوارض اعلام می شود که هزینه های شهری را جبران برود زیرا این افزایش برای استفاده بیشتر از تسهیلات شهری است و هم کمک می کند به برنامه کلی حل مشکل ترافیک. سپرداری منتظر سازمان برنامه است و تا تصویب بودجه ایس

بنام خدا

دفتر اتحاد نیروهای مسلمان روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۵ الی ۷ بعد از ظهر در محل جاما (خیابان فلسطین چهارراه حشمت الموله) برای پاسخگویی به مراجعین مفتوح است. جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) جنبش ملی مجاهدین

تسلیمت

درگذشت سید مهدی رضوی عضو کانون وکلای دادگستری را به دوستان خود آقایان علی مسعودی و بهروز راد تسلیم می گوئیم. تحریریه روزنامه جبهه ملی ایران

قانون را بغاون بدل نکنید

بقیه از صفحه اول باشد، راه حل ها و شیوه دیگری هم می توان یافت که می نویسیم و دانسته از آنها دوری نجویند. بیستم قانون اساسی ناشی از مجلس یا محفل «چهل تن» و فراموش نمودن با سرعت عمل توالی فاسدو فساد، انگیزه اش چیست؟ فساد اول این کار شتاب زدگی در تعیین اصول دائمی و اساسی زندگی جمعی و آرمانی ملت است که مردم را به مدت های طولانی به جان هم خواهد انداخت و از فریاد فراموشی گروه های سیاسی با شعارهایی برای تغییر و اصلاح قانون اساسی براه خواهند افتاد.

دوم فساد چنین عملی

ضعف مابیتی قانون اساسی به علت عدم رعایت اصول مردمی و دمکراسی در وضع قانون است و حقوقش را برای مردم متعذر خواهد ساخت و فردا همه دست اندرکاران خواهند گفت از هیبت «آن» و هول «این»، چنین کردیم و اساس زندگی قانونی جامعه و دمکراسی ما بر پایه های نه استوار و ضعیف و متزلزل بنا خواهد شد. مفسده سوم آن خواهد بود که هر مخالفی به علنی آنکه تصویب غلط بوده از حقوق مندرج در قانون اساسی بدون آنکه قانون را مقدس و محترم بداند سرخورده خواهد شد و تمامی هم خویش را برکنند بنیان آن خواهد نهاد، زیرا چنین قانونی دارای احترام و ادب کافی نخواهد بود. اساساً نمی دانم چرا راه حل های دیگر را از نظر دور داشته اند.

این عده مشاور که به نظر می رسد همه کاره اند و عقل کل! و دولت و ملت را به میل خویش می چرخانند اگر حسن نیت دارند چرا به اهل فن رجوع نمی کنند. ایرادش فواید بود اکثر مجلس موسسان در عین حال اولین پارامان ایران هم باشد. مگر مجلس اول مشروطه چنین نبود؟ مگر بعد از محفل چهل تن و فراموش نمودن ستوالی در باب صد و شصت اصل ما انتخاب شوری نخواهیم داشت؟ چه میشود اگر مقرر داریم موسسان پس از پایان کار قانون اساسی برای بقیه مسلت «چهارساله» بصورت مجلس شورا عمل کنند که انتخاب شده بستان عقاید و آراء و مبارزه انتخاباتی داشته باشیم و از هرج و مرج و تزلزل بپرهیزیم.

داخل کوناه مدت دیگری هم می توان یافت و آن تصویب قانون اساسی وقت از طریق فراموش نمودن اصول ساختن کار قانون اساسی دائم به دو یا چهار سال دیگر که آنوقت نفاذی بر ملا شده و کیفیت و کار بردش در عمل معلوم گردیده است.

فکر می کنم راه حل اول

اصولتری و بهتر باشد، چنانچه به همان مجلس اختیار داده شود که در موعد معین فی المثل بعد از گذشت دو یا سه سال اجلاس ویژه ای در صورت لزوم با تعداد و نصاب معین آراء برای اصلاح قانون اساسی داشته باشند. دمکراسی و مردمی بودن باید همه ما را وادارد که یک بعدی نیاندیشیم و به راه حل های گوناگون توجه کنیم.

آینده کرانه باختری رود اردن و نوار غزه چه مذاکرات صلحی!

مرکز توقعاتی این چنین گستاخانه و این چنین مغایر با خواسته‌های مصر و واشنگتن عنوان نکرده است. تمایل مصر به ایجاد فضای آرامش

البته، این گفتگوها تنها اساس نوعی چانه بازاری را تشکیل می‌دهد. اماخواست های اسرائیل در نظر سایر شرکت‌کنندگان در مذاکره به شدت افراطی می‌نماید. در چنین شرایطی، مصطفی کمال نخست وزیر مصر که رهبری هیات نمایندگی کشورش را در مذاکرات بیرشبا به عهده دارد، اعلام کرده است که مصر در مذاکرات از مخالفت با پیشنهادهای اصولی خودداری خواهد کرد و تنها مدارک و اسناد کار ساده را با خود به جلسه گفتگو خواهد برد. قاهره به این ترتیب قصد دارد از افروختن آتش خودداری کند و بگوید که قطع مذاکرات شود

از سه هیات نمایندگی شرکت‌کننده در مذاکرات بیرشبا، هیات اسرائیلی بیش از همه برای خود برنامه تنظیم کرده است. در واقع اسرائیلی‌ها با طرحی روشن به

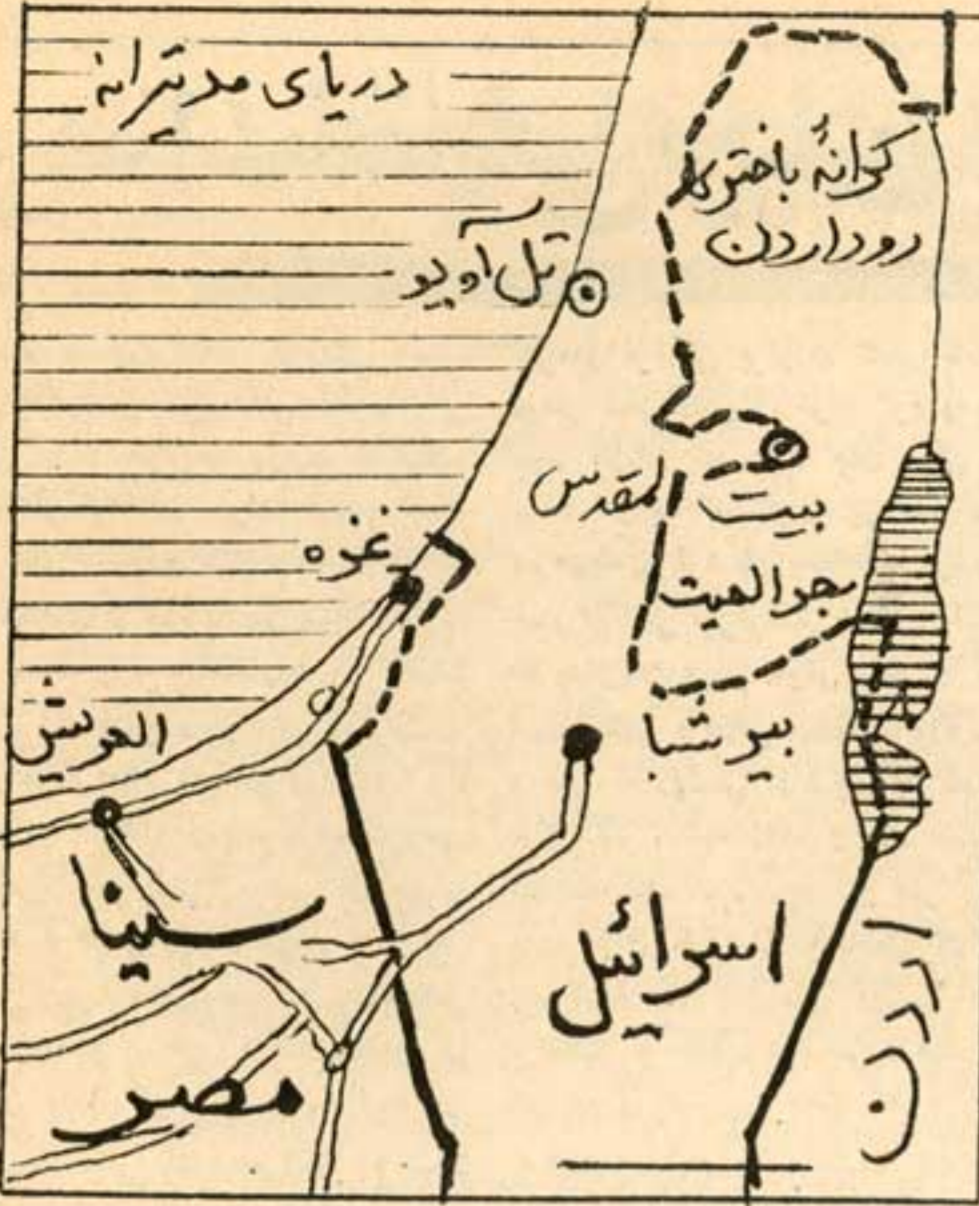
بیت‌المقدس - در حالیکه مذاکرات درباره خودمختاری کرانه باختری رود اردن و نوار غزه رسماً آغاز شده است، افکار عمومی بیشتر متوجه خطرات شکست این مذاکرات است تا امیدهای موفقیت آن. محافل سیاسی قاهره، واشنگتن و بیت‌المقدس درباره فضای بدبینانه‌ای که بر دومین مرحله از مذاکرات مصر و اسرائیل حکمفرماست، سخنها دارند. مذاکراتی که باز هم تحت رهبری پدرانۀ آمریکا ادامه خواهد یافت.

بعد از جلسه کوتاه گشایشی مذاکرات در جمعه گذشته، برای مذاکره‌کنندگان روزها وقت لازم خواهد بود تا مسائل مختلف را مورد بررسی قرار دهند. به طوریکه یوسف بورگ، وزیر کشور اسرائیل اظهار داشته است شروع مذاکرات اصلی تا ده روز دیگر عملی نخواهد بود. بدیهی است که هیچکس ظاهراً عجله‌ای برای وارد شدن به اصل ماجرا از خود نشان نمی‌دهد. مخصوصاً که ابراهام سبیاه، خیر از توفان می‌دهند. حتی اگر بگین - زیر فشار دایان و وایزمن - تصمیم نگرفته بود موضع اولیه حکومت خود را فوراً روشن سازد، هدفهای او از قبل مشخص بود. بدیهی است که اسرائیل قصد دارد نوار غزه و کرانه باختری را زیر پوشش خودمختاری رسماً به خاک خود ملحق سازد. بگین از زمان رسیدن به قدرت، یعنی از ۱۹۷۷ به بعد

مناطق مستقر است، اعمال می‌شود - مسئولیت حفظ امنیت منطقه گامکان به عهده نیروهای اسرائیلی خواهد بود. آبدی های بی‌بودی نشین و ساکنان آن گامکان از نظر قضایی و اداری زیر نظر اسرائیل اداره خواهند شد. حقوق اسرائیل در مورد ایجاد آبادیهای جدید در مناطق اشغالی نیز محفوظ خواهد ماند. اسرائیل به کنترل منابع با ارزش آب اردن ادامه خواهد داد. اسرائیل همچنین مالکیت خود را بر زمینهای بایر حفظ خواهد کرد. مذاکراتی با مقامهای اردنی و نمایندگان سازمانهای خودمختار آینده در جریان است تا مقدمات بازگشت

● برنامه مذاکره اسرائیل و قیحانه‌ترین موضع‌گیری این کشور در قبال مسأله سرزمینهای اشغالی است

و نوار غزه می‌شود. در نتیجه لابد «این سرزمین‌ها از خودمختاری برخوردار نخواهند بود. این اولین گام است. در برنامه‌ای که هفته گذشته عنوان شد هدفهای اسرائیل آشکارا نمایان گشت، به گفته منابع مطبوعاتی که از سوی مقامهای آگاه نیز تأیید شد، ترتیبات اصلی برنامه به قرار زیر است: قدرتی که به مقام خودمختار تفویض خواهد شد، زیر نظر حکومتی نظامی که هم اکنون نیز در این



شابا خالی می‌شود

● بعد از خروج نیروهای سازمان ملل از ایالت شابای زئیر، وظیفه حفظ صلح در این منطقه به عهده نیروهای مغربی خواهد افتاد.

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل تا یکماه دیگر زئیر را ترک خواهند گشت. عزیمت نیروهای سازمان ملل مرحله به مرحله صورت خواهد گرفت. اما مغربها بعد از آنها تا مدت سه‌ماه مسئولیت حفظ صلح را در زئیر به‌عهده خواهند داشت. بیشتر سران مغربی مستقر در زئیر درخواست ملک‌حسن دوم از موبوتو، اژشاپا به کینشازا منتقل خواهند شد. پادشاه مغرب ضمناً با باقی‌ماندن سرهنگ لوباری فرمانده نیروهای مغربی مستقر در زئیر در این کشور موافقت کرده است. نیروهای مغربی که مهم‌ترین بخش



● فرانسه و مغرب ارتش زئیر را بازسازی می‌کنند

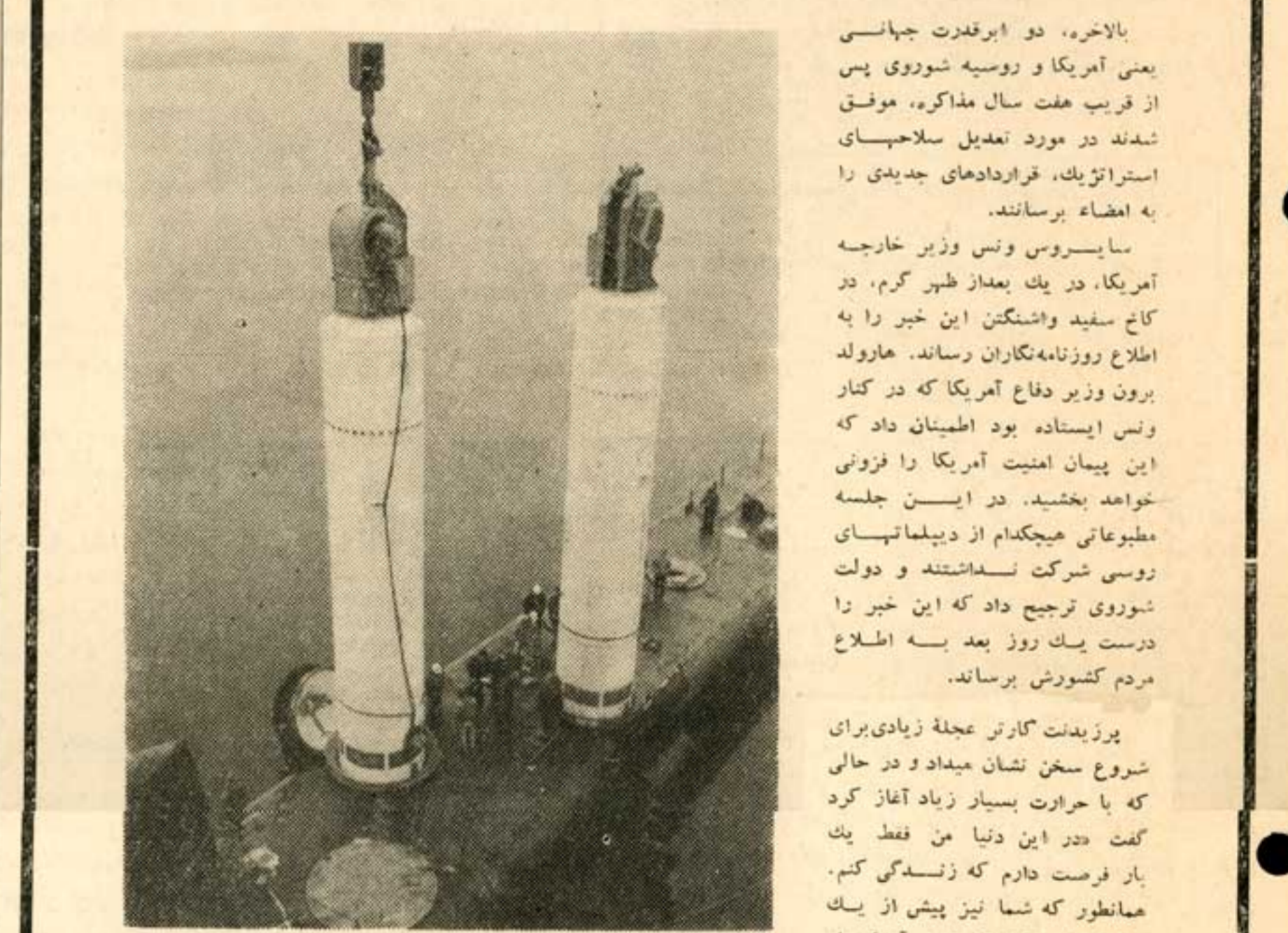
نیروهای مشترک آفریقا را تشکیل می‌دهند، از ۲ هزار سرباز تشکیل می‌شود که بعد از قتل‌عام کولوزی در ژوئن ۱۹۷۸ در شابا مستقر شده است. این نیروها در واقع جانشین چتربازان فرانسوی و بلژیکی شدند. که همان روزهای اول در شابا پیاده شده بودند. سرهنگ لوباری از سوی تمام جناحهای علاقمند به «مساله» زئیر به سمت فرمانده نیروهای آفریقایی مستقر در این کشور انتخاب شده و بطور مستقیم زیر فرمان موبوتو انجام وظیفه می‌کند. دوستی موبوتو و سرهنگ لوباری از اولین نشانه‌های کاتانگایا دسال ۱۹۶۲ شروع شده است. در آن هنگام هم سرهنگ لوباری در میان

از طرف دیگر، به منظور بر حذر داشتن مقامهای حکومت خودمختار آینده از تبدیل خودمختاری به استقلال، دولت اسرائیل یک رشته محدودیت‌های تازه را به تصویب رسانده است. همچنین محدودیت‌های دیگری نیز در زمینه تعیین شرایط انتخابات و اعضاء شورای منتخب فلسطین (مثل تعیین برنامه کار نامزدها و عدم مقایرت آنها با امنیت اسرائیل) به عمل آمده است. و بالاخره، ارتش اسرائیل حق ساختن جاده‌های تازه به منظور زیر کنترل گرفتن نزدیک به ۳۷ هزار هکتار از خاک کرانه باختری رود اردن، و حق ایجاد پایگاه و میدان مانور را برای خود محفوظ نگه داشته است.

از زمان انتشار اولین طرح خودمختاری بگین که با دیدار نخست سادات از بیت‌المقدس، در نوامبر ۱۹۷۷، منازن بود، تا امروز، رفتار اسرائیل آشکارا متحول شده است. در آن زمان طرح اعطای خودمختاری بسیار مبهم بود. در کمپ دیوید اسرائیل پذیرفت که حاکمیت خود را بر سرزمینهای اشغالی «غزه» و «کرانه باختری» به حال «تعلیق» در آورد. اما به محض امضاء پیمان صلح، بگین مرتب موضع خود را تندتر کرد و موضع زیاده طلبانه خود را روز به روز آشکارتر ساخته است. تا به این حد که روزی اعلام کرده است هرگز مرزی میان اسرائیل و کرانه باختری وجود نخواهد داشت! بدیهی است که بگین بعد از انعقاد پیمان صلح، خیلی زود چهره خود را نمود و به خواسته‌های قبلی خود بازگشت خواسته‌هایی که در تمام طول زندگی سیاسی او عنوان شده بود: مثل حقوق تاریخی قوم یهود بر «ارض اسرائیل» یعنی تمام خاک فلسطین بگین تنها يك از خودگذشتگی نشان داده است: وی دیگر حقی برای خود در ساحل شرقی رود اردن که سابقاً آن را «قسمتی از سرزمین آبا و اجدادی قوم یهود» می‌خواند قائل نیست!

اسرائیل با در پیش گرفتن رفتاری سرسختانه در واقع می‌کوشد به حریمت شده از ایجاد يك کشور فلسطینی در منطقه جلوگیری کند. در حالیکه مصر برعکس خودمختاری را در واقع مرحله‌ای عبوری برای استقلال فلسطینی‌ها تلقی می‌کند. حوزه عمل مصر بسیار محدود است. بقیه در صفحه ۷

مشکل ساعت ۲ حل شد



بلاخره، دو ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا و روسیه شوروی پس از قریب هفت سال مذاکره، موفق شدند در مورد تعدیل سلاحهای استراتژیک، قراردادهای جدیدی را به امضاء برسانند. ساینسروس ونس وزیر خارجه آمریکا، در يك بعداز ظهر گرم، در کاخ سفید واشنگتن این خبر را به اطلاع روزنامه‌نگاران رساند. هارولد برون وزیر دفاع آمریکا که در کنار ونس ایستاده بود اطمینان داد که این پیمان امنیت آمریکا را فزونی خواهد بخشید. در این جلسه مطبوعاتی هیچکدام از دیپلماتهای روسی شرکت نداشتند و دولت شوروی ترجیح داد که این خبر را درست يك روز بعد به اطلاع مردم کشورش برساند. پرزیدنت گارتنر عجله زیادی برای شروع سخن نشان میداد و در حالی که با حرارت بسیار زیاد آغاز کرد گفت «در این دنیا من فقط يك بار فرصت دارم که زندگی کنم. همانطور که شما نیز پیش از يك مرتبه به دنیا نخواهید آمده» او ادامه داد «مهمترین واقعه‌ای که می‌توانست برای مردم مبین من در تمام طول زندگی من اتفاق بیفتد امضای این قرارداد بود.» این موافقت‌نامه که با پروتکل و فهرست و زیرنویس‌ها شامل هشتاد صفحه و نوزده بخش میباشد، با الحاقات ساعت ۱ نتیجه می‌باشد. یا دور پرواز نابود کننده و ایراند کننده هر دو ابرقدرت را چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی محدود می‌کند. این پیمان نشان دهنده اوج کوششهای هر دو ابرقدرت در جهت منافع عمومی است که توجیه‌کننده اولین ملاقات سران هر دو کشور میباشد که در چهار سال ونیم قبل صورت گرفت. به خاطر بیماری لئونید برژنف رهبر شوروی، برنامه ملاقات سران و امضاء پروتکل بصورت رسمی در اواسط ماه آینده در وین برگزار خواهد گردید. و سپس کارت برای به عهده گرفتن رهبری عملیات اداری در مورد تصویب پیمان ساعت ۲،

در حال حاضر	در سال ۱۹۸۵
آمریکا	۵۵۰
شوروی	۶۰۰
آمریکا	۴۶۴
شوروی	۸۲۰
آمریکا	۴۹۶
شوروی	۱۰۰
آمریکا	۱۲۵
شوروی	۳۶۰
آمریکا	۵۰۴
شوروی	۸۵۰
آمریکا	۶۲۴
شوروی	۹۰
آمریکا	۲۲۴۶
شوروی	۲۰۶۴
آمریکا	۲۵۰۰
شوروی	۲۰۵۸

جمع کل

فرهنگ انقلابی بجای انقلاب فرهنگی

ادغام دو وزارتخانه «فرهنگ و هنر» و «علوم و آموزش عالی» قطعی شد و از این پس این دو با نام واحد وزارت فرهنگ و علوم، بکار خود ادامه خواهد داد. در نتیجه چنین ترکیبی اینک وزارت فرهنگ و هنر بشکل حوزه‌ای از معاونت‌های وزارت «علوم» بر آمده است و طبعاً اختیارات و امکانات کار آن نیز به همین صورت کم شده است. در مورد ادغام این دو وزارتخانه ویا بهتر بگوئیم «انحلال» وزارت فرهنگ و هنر دولت تاکنون هیچ دلیل موجهی ارائه نکرده است. اما به خوبی می‌توان فهمید که از نظر دولت، وزارت فرهنگ و هنر کار برد اجتماعی لازم را ندارد و بسیاری از فعالیت‌های آن را می‌توان تعطیل کرد، که بود و نبود این فعالیت‌ها به جانی لطمه نمی‌زند و اصولاً برای جامعه‌ای که می‌خواهد مرحله‌ای سازنده را در دوره‌ای جدید آغاز کند فرهنگ یا هنر امری ضروری نیست.

جالب اینکه آنچه امروز دولت درباره فرهنگ و هنر در ایران بعد از انقلاب مطرح می‌کند و حتی عمل می‌کند، بر اساس نوعی تفکر اجتماعی یا نیاز مردم در موقعیت امروز ایران نیست، بلکه آنچه رخ می‌دهد و می‌بینیم دقیقاً بر اساس کاربرد فعالیت‌ها در گذشته است، یعنی مثلاً اگر تلویزیون پیش از این نمی‌توانست خواست ملتی را از

ادغام دو وزارتخانه «فرهنگ و هنر» و «علوم و آموزش عالی» قطعی شد و از این پس این دو با نام واحد وزارت فرهنگ و علوم، بکار خود ادامه خواهد داد. در نتیجه چنین ترکیبی اینک وزارت فرهنگ و هنر بشکل حوزه‌ای از معاونت‌های وزارت «علوم» بر آمده است و طبعاً اختیارات و امکانات کار آن نیز به همین صورت کم شده است. در مورد ادغام این دو وزارتخانه ویا بهتر بگوئیم «انحلال» وزارت فرهنگ و هنر دولت تاکنون هیچ دلیل موجهی ارائه نکرده است. اما به خوبی می‌توان فهمید که از نظر دولت، وزارت فرهنگ و هنر کار برد اجتماعی لازم را ندارد و بسیاری از فعالیت‌های آن را می‌توان تعطیل کرد، که بود و نبود این فعالیت‌ها به جانی لطمه نمی‌زند و اصولاً برای جامعه‌ای که می‌خواهد مرحله‌ای سازنده را در دوره‌ای جدید آغاز کند فرهنگ یا هنر امری ضروری نیست.

جالب اینکه آنچه امروز دولت درباره فرهنگ و هنر در ایران بعد از انقلاب مطرح می‌کند و حتی عمل می‌کند، بر اساس نوعی تفکر اجتماعی یا نیاز مردم در موقعیت امروز ایران نیست، بلکه آنچه رخ می‌دهد و می‌بینیم دقیقاً بر اساس کاربرد فعالیت‌ها در گذشته است، یعنی مثلاً اگر تلویزیون پیش از این نمی‌توانست خواست ملتی را از

زیربنای آینده این ملک را پایه‌گذار کرد، برای این مهم چه اندیشیده است؟ انقلاب فرهنگی در وهله اول یعنی برنامه‌ریزی دقیق و مشخصی برای رساندن سطح دانش عمومی به حدی که تمام مردم جامعه بتوانند از طریق وسایل ارتباطی با یکدیگر در تماس باشند و در کنار این باید مردم بتوانند معنی و مفهوم فرهنگ و سنت و روابط انسانی را از طریق تبادل فکر و اندیشه درک کنند. انقلاب فرهنگی یعنی شناخت تاریخ و شیوه‌های زندگی اقوام گوناگونی که یک ملت را می‌سازند. انقلاب فرهنگی یعنی ارج نهادن به زبان که نخستین امکان ارتباط انسانها را می‌سازد و بالاخره توجه به فرهنگ یعنی راه‌یابی برای دیگر مسائل مملکت، چرا که مثلاً مسأله کشاورزی در ایران را مگر می‌توان بدون شناخت راه‌گشایی از طریق کیفیت های فرهنگی و سنتی حل کرد؟ اما در این زمینه، در ایران چه کرده‌ایم؟ کدام برنامه سوادآموزی را در پیش داریم؟ کجا صحبتی از شیوه‌های تازه آموزش در مدارس و دانشگاهها کرده‌ایم؟ در کلامیک از مسائل اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و تجاری راه حل را در فرهنگ قومی‌مان جستجو کرده‌ایم؟ و بالاخره چه معیار و

روزنامه جان دارد

فاجعه مدت‌ها بود که از پشت‌پرده‌های شهربانی کشید فاجعه به سراغ مطبوعات رفت. نام اختناق را به سبب از آن سبب خونی که سراسر ایران را سست شده تما جز فاجعه چه می‌گذارید... یکی از بدبختی‌های آن ابله‌گیر این بود که خیال می‌کرد نبوغ خداداده دارد و تخصصی عالمگیر در تمام زمینه‌های علمی و فنی و هنری و سیاسی و اقتصادی. این بود که کار را به دست گردان سپرد،

اما دولت حاضر بجای اندیشیدن به تمام مسائل و مشکلاتی که هر روز بیشتر از روز پیش جلب توجه می‌کند، و به جای آنکه راه حل‌ها را در چگونگی فرهنگ این ملک و گسترش فرهنگ در ایران بجوید، و به جای آنکه همین مراکز موجود فرهنگی را رونق دهد، با تلویزیون چنان کرده است که بازگشتش نیز کسالت می‌آورد. و بالاخره آموزش و پرورش را بسیار کم اهمیت‌تر از آنکه هست جلوه‌گر کرده است و دست آخر نیز تنها مرکز رسمی پی‌گیری امور فرهنگی را نیز به نابودی کشانده است. بنابراین باید نگران باشیم برای از دست دادن همان اندک هنری که داشتیم و نگران باشیم برای از دست دادن بهترین و بزرگترین وسیله پیام‌رسانی و تبادل فکر یعنی «هنر» در ایران، چرا که دولت انقلابی ظاهراً تصدیق می‌کند انقلاب بدون آفرینش و رابطه میان مردم مملکت نیز می‌تواند موفق شود، در حالیکه این فرضی است محال! و اگر امروز برای مشکل چهاره نیابیم هرگز نخواهیم توانست به پیشرفتی که می‌خواهیم دست یابیم. چنانکه آنچه امروز در ترویجش گوشش می‌شود و به مردم تلقین می‌شود فرهنگ انقلابی بودن است و این عاطفه‌ای است از میان رفتی، در حالیکه انقلاب فرهنگی در ایران می‌باید اساس و بنیاد اجتماع آینده ایران را بسازد.

صفحه روزنامه از حرف حق، از پرش وقضاوت، و از فریاد و هشدار «ننگین» نمی‌شود.

این بود که هرگز گفت نمی‌دانم، این بود که هرگز اعتراف نکرد کسی هم هست که از او بهتر می‌داند. علامه دهر برای همه چیز و همه‌کس تعیین تکلیف کرد، خط‌مشی داد، فلسفه‌بافت و کلمات قصار ساخت. یادش امروز تن مردم و زنده این ملت را می‌لرزاند. مردان ما برچون‌باشند تا پیرامون یارده‌ی مسائل تخصصی، باره‌ی اصول جهانی و کامل روشن و شناخته شده، عقیده یا راهنمایی نادرست و بی‌منطقی ارائه نکنند. باره‌ی اصول تخصصی، مانند حقایق علمی همه‌جا یک‌چورد یک‌شکل هستند، شرقی و غربی هم ندارند. در همه جای دنیا دو تا چهار تا است. در همه جای دنیا فرمول اسید سولفوریک Suuhs از وظایف آن است. روزنامه امروز به دلیل

راه‌پیما

ای سیه چشم راه‌پیما
شیر آشفته است چون «دیروز»
بانگهای آتشین خلق و عالم‌سوز
می‌رود خلق تا شود پیروز
همچو «دیروز»، می‌رسد امروز
رهروی، هم ز راه و می‌گوید:
همه هم‌گام من به راه شوید
همه پاکیزه از گناه شوید.

ای دلیر بلند بالایم
ای سیه‌چشم راه‌پیما
همه «دیروزها» در امروز است
همه امروز زاده «دیروز» است
جز من خسته دل که تنهاییم
بی‌تو امروز راه‌پیما.

آموزش و پرورش و سیاست تعطیل

باید باشد و مجزا کردن دختر و پسر در آموزشگاه‌های آزاد برآستی باید در یک بررسی برلانی قرار گیرد و در فرصتی مناسب که بر همه مسائل و مشکلات غلبه کرده باشیم و زمان را برای کارهای جنبی مناسب دیده باشیم. آموزش و پرورش می‌تواند کلاس-های آزاد را تعطیل اعلام کند و پروانه آنها را لغو کند ولی با توجه به داوطلبان کم برای آموزش دین در تابستان و مجزا کردن کلاسها، تعطیل این آموزشگاهها پس از ورسکتگی بیشتر امکان اتفاق دارد که در این کلاسها در عین وقت کتسی، داوطلبان می‌توانستند تا حدی از معلومات کسب شده سود جویند.

باید تاکید شود که بحث بر این نیست که مجزا بودن دختر و پسر، داوطلب‌کمتری را برای کلاسها تدارک می‌بیند، لیکن عدم توانایی برای برپایی کلاسهای جدا برای چند شاگرد مطرح است که نمی‌توانند خارج آموزشگاههای آزاد را تامین کنند و امکان ترقی و بالا رفتن حق تدریس در کلاسها وجود دارد و با مانند دوره گذشته که بیشتر کتابفروشیها بر اثر نداشتن کالای خوب برای عرضه، روی به مشروب فروشی آوردند و کتابفروشیها به کاست فروشی و مغذیه فروشی تبدیل شد شاید اگر همین سیاست آموزش و پرورش پیش رود و بیشتر وقت این وزارتخانه برای مسائلی نظیر تعطیل مدارس خصوصی - بدون تجویز مدارس دولتی - اجازه ندادن به ایرانیان برای شرکت در مدارس بین‌المللی - بدون داشتن مدارس تحت استناد در همه نواحی آموزش و پرورش - و در آخر مجزا کردن پسر و دختر در آموزشگاههای آزاد بگذرد، در آینده شاهد خواهیم بود که آموزشگاه-های آزاد هم امکانات خود را در اختیار مکانهایی قرار خواهند داد که دست کمی از مشروب فروشی ندارد و بعضی دانش-آموزان هم که در تابستان هیچگونه سرگرمی دلخواه نمی‌یابند شاید به مکان تازه آموزشگاه های آزاد دل خوش کنند.

ای دلیر بلند بالایم
ای سیه چشم راه‌پیما
یاد داری که دست در دست
یاد داری که دوش بردوش
روزگاری که رفت و آمد باز
راه پیمود و نفرسودم

شیر آشفته بود چون امروز
بانگهای آتشین و عالم‌سوز
خلق می‌رفت تا شود پیروز
همچو امروز بود، هم «دیروز»
رهروی ناگهان ز راه رسید
گفت: هم‌گام من به راه شوید
گفت: پاکیزه از گناه شوید.

ای دلیر بلند بالایم

همتای مردم بودن...



نام او را می‌توان بر زبان آورد باید به جستجو در احوال و کارهای او پرداخت، به‌منظور آنکه هم بر شخصیت او وقوف کامل و دقیق حاصل شود و هم آنکه قسمتی از تاریخ ایران که او در تغییرات و تحولات سیاسی و فکری آن دوره موثر بود، بهتر و دقیق‌تر شناخته شود.

در بخش دیگری از این مقاله در توصیف مصدق آمده است: «مصدق از لحاظ شخصیت و حیثیت در تاریخ ایران کم‌نظیر است. او جامع صفات ممتاز بود. یعنی هوش، وطن پرستی، ملت‌دوستی، کمال‌سیاسی، پاک و تقوی، شهامت، دقت‌نظر، بینش و توانایی، قوه بیان و خطابه، دانش اکتسابی، نکته‌بشی و حاضر جوابی را با هم داشت. بالاتر از همه اینها نیروی کم‌همتای با مردم بودن و از آنها سخن گفتن را در نهان‌خانه وجود داشت.»

در دیگر صفحات راهنمای کتاب «گفتار در راه» به کاربردن طرز «در دیگر بخش‌های این تشریح مقالاتی از «معهد ابراهیم باستانی پاریزی»، «غلام فاروق»، «احمد تابش»، «محمد تقی دانش پژوه»، «غلامرضا ستوده» و دیگران به چاپ رسیده است.

«راهنمای کتاب» مجله زبان و ادبیات و تحقیقات ایران‌شناسی و انتقاد کتاب، آخرین شماره‌های خود را (۸-۱۲) در یک مجموعه شش‌جلد و پنج‌جاه و یک‌صفحه‌ای به چاپ رسانیده است. این شماره که هنوز انتشار نیافته، بویژه از اینجهت ارزش و اهمیت دارد که این بار «راهنمای کتاب» بخش مهمی از صفحاتش را به چاپ‌استاد و مدارک در بساطه شخصیت «مصدق» و چگونگی اوضاع سیاسی و اجتماع دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران که تا بحال بدلیل وجود سانسور در ایران امکان چاپ آنها نبود اختصاص داده است. دکتر ایرج افشار در نخستین مقاله «راهنمای کتاب» با عنوان «مصدق در تاریخ» پیشنهاد کرده است که اسناد مربوط به این شخصیت بزرگ‌میلی و مدارک مربوط به دوران سیاستمداری او جمع‌آوری شود تا ملت ایران نیز بتواند این بخش از تاریخ معاصرا بهتر بشناسد: «مصدق در تاریخ ایران تمامی خصص و برگزیده یافته، او پسر دانه‌ی دوره‌ای از تاریخ ایران است که علی‌القاعده به علت کثرت وسایل خبری و انتشاراتی و پیدایی ملت‌ها، امکان مطالعه و تحقیق در افکار و خدمات او بیشتر است. بنابراین اکنون که

در هیچ سرزمین آزادی عقیده بر این نیست که مطبوعات باید دنباله‌رو مردم باشند و همان را به ملت بدهند که ملت می‌خواهد

است و در همه‌جای دنیا مطبوعات یکی از رسانه‌های جمعی شناخته شده است که اگر برای ملتی آگاه و آزاد منتشر شود، وظیفه‌اش نشر آزادانه، همه‌جانبه فکر و عقیده است. در همه جای دنیا تشریح‌آزاد حق پرسیدن دارد، حق تفسیر و قضاوت دارد و حق پیشنهاد کردن، و در هیچ سر زمین آزادی عقیده بر این نیست که مطبوعات باید دنباله روی مردم باشند و همان را به ملت بدهند که ملت می‌خواهد. آقایان بدانند که مطبوعات در صف مرشدان، در صف راهنمایان و در صف

مطبوعات در صف مرشدان، در صف طبیبان جامعه جای دارند. داروی تلخ پزشک را ناچارید بخورید، حقیقت تلخ روزنامه را هم ناچارید پذیرید.

طیبیان جامعه ایستاده‌اند. پزشک به شما داروی تلخ می‌دهد و شما محکومید بخورید. مطبوعات هم حقیقت تلخ را پیش‌رویشان می‌گذارد و شما ناچارید بپذیرید. مطبوعات را با کاباره و بساط خیمه شب بازی و اسباب طرب به اشتباه نگیرید. نویسنده نه رقص است نه عروسک خیمه‌شب‌بازی که به‌ساز مردم برقصد. توده اشتباه هم می‌کند. مطبوعات اگر در توده غرق باشد که می‌شود لولوی سرخرمن، می‌شود مطرب روحی... اگر مطبوعات باید همان چیزهایی را به ملت بدهند که ملت می‌خواهد، چرا جلو چاپ و انتشار عکس‌های خصوصی

جبهه ملی ایران
صاحب امتیاز: مهیندس حسین اخوان
سردبیر: پروانه فروهر
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سپند شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن: ۸۹۲۰۲۱
چاپ خوشه ۳۱۸۵۶۴-۵

دگرگون سازی نمایه‌ها و گرایش‌های ملی، در حد توانایی افراد نیست

این روزها، ظاهراً، تگرانی ما به خاطر از دست رفتن برخی نمایه‌های ملی-همچون پرچم سه رنگ و سرودهای میهنی و نام قهرمانان تاریخی و اعتبار بزرگان سیاست ملی - به اوج خود رسیده است، گرچه باز هم ظاهراً به نظر می‌رسد که نوعی از وحشت، ما را بر آن می‌داند که تا حدی محتاطانه به این مسائل بپردازیم و بیشتر به مویه کردن یا پند و اندرز دادن و یا خندنگانه نالیدن، قناعت کنیم و اینطور نشان بدهیم که سخن از آداب ایرانی گفتن، روبرویی با آداب اسلامی است و گناهی که منجر به شلاق خوردن در معابر خواهد شد و یا اخراج شدن از کار و یا به جنگ کمیته‌ها افتادن و یا مورد حملهی جماعت‌داران واقع شدن.

این روزها می‌بینیم که به شکلی خجرت‌آور، بسیاری از نویسندگان ما و

که می‌خواهند نمایه‌های ملی را در هم بگویند و کسانی که می‌خواهند از این نمایه‌ها دفاع کنند - در جریان است، تصویری طنز پیش چشم می‌آورد که به نظر می‌رسد اثر یکی از چندین کاریکاتوریست بسیار چیره دست معاصر وطن ماست، و من، شاید بتوانم با مثالی آن را روشن کنم: گروهی در پای کوه دماوند - در گوشه‌ی بی - ایستاده‌اند گرفته‌ایم که این کوه و این قله را از اینجا برداریم و به دریا بیندازیم تا ماهی‌های کیلکا، یک ساعته، تمام آن را بخورند، چرا که این کوه، مربوط به هزاران سال پیش است... این مزاح، گرچه در صورت ادامه یافتن، انسان را کسل می‌کند، زیرا موضوع مفصلی برای شوخی نیست و ظرفیت محدودی برای خنداندن دارد، اما چیزی که انسان را سخت متعجب و عصبی می‌کند این است

و اگر در زمان حاضر، جمیع شرایط برای خلق چنین اثری فراهم نباشد و چیزی که پدید می‌آید، کمتر از سرود «ای ایران» بتواند بر اعصاب و عواطف ما تأثیر بگذارد، چه کسی با کدام قدرت می‌تواند سرود دوم را به ملت ایران تحمیل کند؟ همان‌کسی که سرود «شاهنشاهی» و سرودهای «انقلاب» سفید را به این ملت تحمیل کرد؟

واقعاً کجا هستند آن سرودهایی که روزی ده بار به خود این ملت می‌دادند؟ چیزی از آنها در خاطرتان مانده‌است؟ آیا هرگز به فکر افتاده‌اید که آنها را به خاطر بیابورید و صمیمانه زمزمه کنید؟ عرسرود و تصنیف و ترانه‌ی ملی، یک نمایه‌ی ملی کامل است، و سودمندی این نمایه در همکاری و تشکیلی است که در گروه‌های مختلف اجتماعی ایجاد می‌کند. احساس آشنایی و خویشی میان مردم و فراهم آوردن شرایط درک متقابل، بازتاب

تنها ملت است که می‌تواند بر اساس ادراک و احساس جمعی، نمایه‌های ملی نو را جان‌نشین مظاهر فرسوده و ناخوشایند سازد.

حتی کسانی که هرگز حوصله‌ی نوشتن یک نامه را هم نداشته‌اند، به هیجان آمده‌اند تا به پاسداری سنت‌های ملی هموطنان عزیز خود برخیزند و از هر ظهیری که بوی وطن و ایرانی بودن می‌دهد، یا اشک چشم و خشم پنهان خود دفاع کنند.

این که می‌گویم «خجرت‌آور»، بدان حافظ است که تا چند ماه پیش - یعنی قبل از پیروزی انقلاب - هیچیک از این هیجان زدگان آشفته حالی که اینک بیم از میان رفتن عناصر و نمایه‌های فرهنگ ملی، تکان‌خوردن داده است، به خاطر مجموع سنت‌های انسانی و ارزشمندی که زیر پای استعمار و نمایندگانش در ایران لگدکوب می‌شد، این چنین مویه نمی‌کردند، حال آنکه به راستی امکان این مویه کردن - و حتی نوره کشیدن - وجود داشت، و حکومت پیشین، در عین حال که فرهنگ ملی را به سختی می‌کوفت، از اینکه تمایل برانگیخته شود، احساس رضایت خاطر می‌کرد، چرا که در این بازی موش و گربه، هیچ خطری نمی‌دید و به چنین زد و خورد-هایی به چشم «سرگرمی‌های کلداری فریبدهی اغفال کننده» می‌نگریست.

آیا سکوت عاشقان مظاهر فرهنگ ایرانی، بدان معنا بود که نظام ضد ملی پهلوی، به راستی می‌توانست دوستدار و مدافع نمایه‌های ملی ما باشد؟ فراموش نکرده‌ام که حتی چوپان های گیلان، بر فراز کوه‌های دور دست، به جای خواندن ترانه‌های محلی هزار و چند صد ساله و نواختن نی هفت بند خود، تصنیف‌های سرشار از ابتذال و انحراف اغاسی را به لپچه‌ی غریب می‌خواندند. (بیچاره گوسفندان!)

آنچه در آن روزگار، ملت‌گرایان و سنت‌دوستان را به سکوتی مملو از نفرت (که گنگاه، بدبختانه با مشارکت دنگریستن و دست زدن و رقصیدن هم همراه می‌شد) دعوت می‌کرد نه ترس بود نه تسلیم و نه باور اینکه چیزی درمخاطره نیست، بلکه فقط یک هشباری تاریخی بود. این هشباری به آنها اطمینان می‌داد که اراده‌ی فرمانروایان بندگان ساختن سنت‌ها، آداب و رسوم و نمایه‌های ملی نبوده و نخواهد بود. بنابراین، با تکیه بر همین هشباری ملی، و بر-اساس شناخت اولویت‌ها، حق انتخاب چپ‌پویی را که می‌بایست در آن بچنگند سدر برابر دشمنی که از چندین جبهه حمله کرده بود - برای خود قائل شدند.

اینک، مهم‌ترین مساله این است که همچنان، برای مدتی کوتاه، هشباری تاریخی گروهی از ما را کنار زده است.

در حقیقت، ما می‌دانیم که این نمایه‌ها و مظاهر فرهنگ ملی نیستند که به‌راستی به مخاطره افتاده‌اند، این‌ها هستند که علت حادثه‌ی بزرگ انقلاب، قدرت روان‌شناسی ملی خود را - در دیک تکان شدید تاریخی - از دست داده‌ایم و دچار آشفته حالی و سرگیجه شده‌ایم. به‌قول قدیمی‌ها «سبیل‌گربه را گنده‌اند» و به همین دلیل دیگر نمی‌تواند مثل یک پندباز ماهر، تعادل خود را روی دیوار باریک، حفظ کند.

آنچه از سوی دو جناح - یعنی کسانی

آیا شما واقعا باور می‌کنید که یک روز، یک نفر، یا یک عده، برخاسته‌اند و گفته‌اند: «از این لحظه به بعد، ایرانیان باید همچنان نواز باشند. ما امر می‌کنیم که این، یک سنت بشود، و باید بشود!» و از پی این دستور، سنت، پدید آمده، دوام یافته و قدرتی همچون کوه دماوند یافته است؟ اگر واقعا چنین اعتقادی داشته باشید، من به شما حق می‌دهم که شدیداً تگران آن باشید که مبادا، یک روز صبح به شما بگویند: «همان نوازی پس است! هرکس در خانه‌ی شما را بگوید، با لنگه کفش به مغزش بکوبید، و بدانید که لنگه کفش کوبیدن بر فرق میهن، از این لحظه به بعد، به صورت یک سنت در خواهد آمد. همین و همین، بیشتر هم حرف نزنید!

شوخیست، نه واقعا؟ آنچه برینباد یک نیاز ملی پدید می‌آید، با اراده‌ی افراد و جماعات از میان نمی‌رود. آنچه عاطفه‌ی ملی را برمی‌انگیزد و در حافظه‌ی ملی نقش می‌بندد، تراشیدنی و از میان بردنی نیست مگر آنکه عصر لزوم حضورش به پایان رسیده باشد، که در این صورت، اراده‌ی کور هیچ صاحب اراده‌ی آن را از میان نمی‌برد، بلکه اراده‌ی آگاه، سیال و پویای ملت، به هنگام لزوم، و به صورت مختلف، پدید می‌آید و جانشینی را خلق می‌کند و پدید می‌فرسود را کنار می‌گذارد.

در حقیقت، «نیاز»، خالق روابط و پدیده‌های انسانی است نه اراده‌ی قدرتمندترین انسانهای تمام تاریخ جهان - اگر در مسیر نیاز نباشد.

هر پدیده‌ی فرهنگی، به نسبت توانایی حل شدنش در خواست‌های ملی، قابلیت دوام می‌یابد، و سرانجام در حدود قابلیت تطابقش با آرمانهای ملی، ابقاء می‌شود.

عاطفه‌ی «مردم» و برخی گروه‌های اجتماعی را می‌توان برای مدتی در جبهتی نادرست به حرکت واداشت، اما عاطفه‌ی «ملت» هرگز به تابعیت جریان‌های کاذب در نمی‌آید.

این را تاریخ به ما می‌گوید، تاریخ حیات همی ملت‌ها.

این را واقعیت‌های عینی به ما می‌گویند نه ذهن پردازی‌های کسانی که ناگهان احساس عاشقانه‌ای نسبت به این یا آن سنت ایرانی - و با حتی عادت ایرانی - در خود احساس کرده‌اند و به دلیل وجود نوعی از آزادی، بلندگوهای مطبوعات را هم در اختیار گرفته‌اند.

سنت، پشه‌ی خلق‌الساعه نیست تا شیفتگان، اینگونه تگران زاد و مرگش باشند.

عاطفه‌ی «مردم» را می‌توان برای مدتی در جبهتی نادرست به حرکت واداشت، اما عاطفه‌ی «ملت» هرگز به تابعیت جریان‌های کاذب در نمی‌آید.

در آمد - می‌توان جایجا کرد و به ماهی‌های کیلکا سپرد.

آنچه تمایل به دگرگون سازی نمایه‌های ملی را پیش از بیش پیش مضحک جلوه می‌دهد، مقابله‌ای است که با این تمایل انجام می‌گیرد.

سؤال من، در مرحله‌ی اول این-است: چه کسی نمایه‌های ملی را «خلق» کرده است؟ چه کسی این نمایه‌ها و یا سنت‌ها را ابقاء کرده است؟ چه کسی به اینها دوامی سی ساله، سیصد ساله یا سه هزار ساله بخشیده است؟ آیا شما واقعا معتقدید که این کار، کار یک نفر یا حتی یکصد هزار نفر، در محدوده‌ی زمانی معینی بوده است؟ آیا شما باور دارید که اراده‌ی افراد - هر قدر هم تعدادشان زیاد باشد - بدون عامل اساسی «نیاز»، می‌تواند خالق سنت‌ها و آداب و رسوم، خالق اندیشه‌های ملی و خالق چهره‌های شفاف و پایدار سیاسی و میهنی ملت‌ها باشد؟ ما هیچ سنتی را نمی‌شناسیم که اراده‌ی افراد - بدون حضور نیازهای بنیادی تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، موجب پدید آمدن و دوام یافتنش شده باشد - مطلقاً! بنابراین، چیزی را که نه فرد، بلکه ملت، در بعد زمان، و بر اساس مجموعه‌ای از نیازها خلق کرده و پذیرفته است، واقعا چگونه ممکن است مجموعه‌ای از افراد - که کل ملت در بعد تاریخی نیستند - بتوانند از میان ببرند؟

ششم خرداد برابر با بیست و هفتم ماه مه سالروز مرگ، سوار سرنوشت، یار همیشه همراه گاندی، مبارز بزرگ، جواهر لعل نهرو بود.

مردی که با تمام دل و جان هند را دوست میداشت و مردم‌هند نیز سخاوتمندانه محبت قلبی خود را نثارش می‌کردند.

نام نهرو چنان با هند درهم آمیخته که هر یک بی‌اختیار یادآور دیگری است.

حل شدنش در خواست‌های ملی، قابلیت دوام می‌یابد، و سرانجام در حدود قابلیت تطابقش با آرمانهای ملی، ابقاء می‌شود.

عاطفه‌ی «مردم» و برخی گروه‌های اجتماعی را می‌توان برای مدتی در جبهتی نادرست به حرکت واداشت، اما عاطفه‌ی «ملت» هرگز به تابعیت جریان‌های کاذب در نمی‌آید.

این را تاریخ به ما می‌گوید، تاریخ حیات همی ملت‌ها.

این را واقعیت‌های عینی به ما می‌گویند نه ذهن پردازی‌های کسانی که ناگهان احساس عاشقانه‌ای نسبت به این یا آن سنت ایرانی - و با حتی عادت ایرانی - در خود احساس کرده‌اند و به دلیل وجود نوعی از آزادی، بلندگوهای مطبوعات را هم در اختیار گرفته‌اند.

سنت، پشه‌ی خلق‌الساعه نیست تا شیفتگان، اینگونه تگران زاد و مرگش باشند.



... که یاران همه رفتند

ستایش می‌کرد و بیشترین احترام را نثارش می‌نمود.

مهربان و صبور و پدران باکودکان به پای کوبی می‌پرداخت و آواز شادمانه آنها را همراهی می‌کرد، بر سفره‌گرستی مردم استعمارزده هند می‌نشست و نان و برنج خود را با آنها تقسیم می‌کرد.

در مبارزات شبست استقلال، سرباز جوان و مبارز آشتی‌ناپذیر با همسر همیشه همراهش با پلیط قطار درجه سه سفر می‌کرد و مقاومت و امید را به‌سراسر میهن صلا می‌داد.

پس از پیروزی بنام نخستین نخست وزیر هند آزاد شده برگزیده شد و تازنده بود بر این مسند که برآستی بدان می-برازید، باقی ماند. نهرو سیاستمدار برجسته آسیای، نویسنده و حقوق‌دان بزرگ هند از پیروان سیاست موازنه منفی و بی طرفی مثبت بود و نقش چشمگیر او در اتحاد و همبستگی ملت‌های آسیایی و آفریقایی فراموش نشدنی است.

نهرو در سفری به ایران از گردانندگان رژیم خواستار دیدار مصدق رهبر زندانی ملت ایران شد که با مخالفت دوبروگردید و سخت آزرده‌خاطر شد.

اختلاف مرزی چین و هند چنان روح او را آزار داد که برغم صلح‌دوستی و اعتقاد به همزیستی مسالمت‌آمیز فرمان جنگ با همسایه متجاوز را صادر کرد و این غم، غم تجزیه خلك مبین که یکبار با دسیسه استعمار انگلیس و به یاری‌مشتی خودفروخته، بناچار و بسفاظر دوی از برادرکشی و جنگ خانگی تن‌بدان سپرده بود، سرانجام قلب بزرگ و عاشقش را از تپیدن بازداشت.

جسمش بنا بر سنت ملی مردم هند و وصیت آن بزرگمرد تاریخ در میان عود و صندل و آوای دلنشین سرودهای مذهبی و دعا‌های روحانی در کام آتش به‌خاکستر بدل شد و خاکسترش را آب گنگ برای ابد به خاک هند پیوست و بخشی از خاکسترش نیز از فراز هند نثار خصال سرزمین مقدسش شد تا ذره‌ذره وجودش با مبین دماوند و ابدیت یابد.

در زندگی نهرو دوزن نقش عمدو چشمگیری داشتند یکی همسرش که جان در راه مبارزات ضد استعماری نثار کرد و پابه‌پای او در نبرد سرنوشت شرکت جست و سرانجام در جوانی بدلیل تحمل زندان‌های بیرون از توان و طاقت زندگی را بدرود گفت و دیگری دخترش ایندیرا که برآستی می‌توان او را، آن شرزن تربیت‌شده نهرو و بزرگترین زن تاریخ معاصر و روشن‌ترین چهره سیاسی قرن نامید.

دگرگونی بیانی که ایندیرا به همت اراده ترازول‌ناپذیر و عشق به هند آزاد و مستقل در مبین پدید آورد خود بخشی جداگانه و بس طولانی است و بی‌گمان توطئه را توان آن نیست که برای همیشه مردم محروم و استعمارزده هند را از داشتن رهبری قاطع و درست‌اندیش چون ایندیرا گاندی محروم سازد.

خاطره نهرو، آن مبارز آشتی‌ناپذیر آن سردار نبرد سرنوشت را گرامی می-داریم.

او به ذره‌ذره خلك گسترده مبین، به یک‌یک هموطنان آسیب‌دیده خود که به نیروی ایمان از فقر و تیره‌دوزی سر-برافراشتند و زندگی را سربلند بنا نهادند عشق می‌ورزید، مرید «بابوچی» آن معجزه گر که به اشارتی «ناباکان» را به «بندگان خاص خدا» بدل می‌کرد، بود و با آنکه دیدگاهی متفاوت با او داشت، قدرت رهبری آن کوچک اندام بلند اندیشه را

طبیعت در خدمت سازندگی

بقیه از صفحه ۶
نجره دیگران، مطالعات مکانی در ایران می‌باید نمونه‌های خاص خود را بسجود آورد.

مطالعات مربوط به انرژی تولید و بخش انرژی در سطح کشور مطالعه‌ای است که بطور عمومی مربوط به سیاست‌های کلی توسعه اقتصادی کشور است معینا تا آنجا که مربوط به نابرابری‌های بین منطقه‌ای و انتخاب مکانی توسعه فعالیت‌های اقتصادی میشود از ضروریات اولیه یک برنامه‌ریزی فضائی ملی است. تشخیص منابع انرژی، نحوه استفاده از آنها و سیاست تولیدی آن، بویژه برای کشور ما حائز نهایت اهمیت است. ما در بعضی از این منابع نظیر نفت و گاز غنی بودیم در برخی دیگر نظیر آب‌چکان کمبود هستیم. سیاست استفاده صحیح از منابع انرژی موجود و سیاست‌های انتقال انرژی در سطح کشوری در رابطه بسیار نزدیک به توسعه متوازن فضای ملی است.

بسر عکس آنچه ممکن است تصور شود مطالعات نیروی انسانی در ایران بسیار ناقص است. شاید در سطح ملی ما بدانیم که تعداد بیسوادهای ایران چقدر است. کمبود پزشک در کشور تا چه حد است و حتی آماری نیز از توزیع پزشکان در مملکت داشته باشیم. ولی دقیقا نمی‌دانیم که مشاغل حاشیه‌ای در روستاهای ماکه در خطر نابودی هستند و حتی بسیاری از آنها نیز تاکنون از بین رفته‌اند چه اندازه‌ای هستند. مطالعات نیروی انسانی قاعدتا می‌باید در رابطه با صنایع موجود و صنایع احتمالی آینده چه در شهر و چه در روستا انجام شود. مطالعات نیروی انسانی می‌باید با علم به روش‌های صنعتی متداول و روش‌هایی که امکان جایگزینی آنها را دارند و با آنها که مطلقا در جامعه ما وجود ندارند و در آینده امکان توسعه آنها می‌رود انجام شود. چنین مطالعات نیروی انسانی متاسفانه در ایران بسیار نادر است.

برای یک برنامه‌ریزی فضائی ملی نیاز به مطالعات نیروی انسانی با توجه به مشاغل موجود و احتمالی آینده و در رابطه با تکنیک متداول روز و آینده است. محیط زیست ایران یک محیط بسیار

شکننده و ضعیف در مقابل تهاجم عوامل مضر و خرابکار است. تعادل این محیط به آسانی قابل برهم‌زدن است و این نتیجه سالیان دراز بی‌توجهی و غارت بی‌محابای این محیط‌زیستی از کلیه مواهب آن است. مطالعات معدود ارزنده‌ای در زمینه محیط‌زیست در ایران انجام شده است. این مطالعات بیش از پیش می‌باید ترغیب شوند و پایه‌های اصلی یک برنامه‌ریزی فضائی باشند اصول مشتق از این مطالعات می‌توانند راهنمایی برای توسعه اقتصادی این مملکت در کلیه زمینه‌ها بویژه کشاورزی و صنعت باشند.

ایران با وسعت عظیم خاک خود متاسفانه با مشکلی بنام مشکل زمین‌روبروست در زمینه توسعه کشاورزی و توسعه شهرها این مشکل بیشتر نمودار است. مطالعاتی که تاکنون انجام شده کافی نبوده و عموما نتیجه‌گیری‌هایی نیز که از این مطالعات غیر مفیدی انجام شده است غلط بوده‌اند.

زمین‌های کشاورزی حاشیه‌ای این مملکت که سی درصد محصولات کشاورزی کشور را تولید میکند بتدریج روبه نابودی هستند. در شهرهای ما برای عدم توجه، بهترین زمین‌های کشاورزی را از بین برده‌اند و سودجویان و زمین‌خواران توسعه‌گران شهری به بهترین وضعی از زمین‌های موجود برای ایجاد مسکن استفاده کرده‌اند. مطالعات مربوط به زمین برای تعیین

چه مذاکرات صلحی

بقیه از صفحه ۳
سادات یادآوری می‌کند که رهبران مصر حاضر نیستند در روند پیشرفت صلح توقف پیدا شود. آنها می‌گویند: ما «عقب» نماندیم و نخواهیم کرد. اما شاید به ایجاد وقفه‌ای کوتاه رضایت دهند. طی مذاکرات: نمایندگان مصر بارها خواستار متوقف شدن روند ایجاد آبادی‌های یهودی‌نشین تازه و مطرح ساختن موضوع مرانامه حزب عرب بیت المقدس شده‌اند. مسأله‌ای که از آن در توافقات کمپ دیوید حرفی به میان نیامده است.

تنش در کرانه باختری رود اردن در کرانه باختری و در سرزمین غزه، از ماه‌ها پیش همه موضوع خودداری محافل

سیاست‌های استفاده از زمین بسیار لازم بوده و هر لحظه که در انجام آن تاخیر شود ضررهای جبران‌ناپذیری به فضای زندگی نسل‌های آینده ایران وارد خواهد کرد. مطالعات تکنیکی مربوط به استفاده از زمین باید مقدم بر ارائه راه‌حلهای سیاسی و اقتصادی باشد که هم‌اکنون نیز زمان آن بسیار دیر شده است.

مسأله مسکن بعنوان یک نیاز اجتماعی و یک فعالیت اقتصادی باید مورد یک بازنگری دقیق باشد و در رابطه با مسأله زمین، مصالح ساختمانی، نیروی انسانی، منابع مالی، پرسنچ‌های ملی و منطقه‌ای و محلی، قوانین و مقررات و تکنولوژی ساختمان مطالعه شود.

تکنولوژی تولید یکی از پایه‌های برنامه‌ریزی فضائی ملی شناخت تکنولوژی موجود تولید در مکان‌های مختلف کشوری در صنایع مختلف و پیش‌بینی تحول و پیشرفت این تکنولوژی در جهت متناسب با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است.

تحول تکنولوژی برخلاف آنچه تصور میشود سریع نیست و چشم‌های تاریخی و نقطه‌های عطف متاسفانه این توم را ایجاد میکنند که تکنولوژی بطور ناگهانی عوض میشود در حالیکه سیر تحول تکنولوژی یک سیر تکاملی و نسبتا «بطئی» است. مسأله دیگر تکنولوژی که برای کشورهای در حال توسعه مطرح است موضوع دوزخ‌زد بودن در مقابل وارداتی

سیاسی از اعطای خودمختاری را می‌دانند. فلسطینی‌های ساکن این سرزمین نیز در قبال آخرین موضع‌گیری اسرائیل سرسختی در پیش گرفته‌اند. آنها معتقدند که در از پیش معکوم شناختن توافق کمپ دیوید حق داشته‌اند. از طرف دیگر، سرگوب شدن شورش اخیر فلسطینی‌ها توسط اسرائیلی‌های این دو منطقه، فضای عدم تقاض را سنگین‌تر کرده است. دانشگاه بیرزیت از دو هفته پیش بسته است و ظاهرآ تا مدت‌های زیاد به دستور مقام‌های نظامی بسته خواهد ماند. یکی از مسئولان حکومت نظامی عقیده دارد که این دانشگاه مهم‌ترین کانون شورش اخیر بوده است و به همین جهت گشایش دوباره آن فعلا صلاح نیست. چهار دبیرستان کرانه باختری نیز به حال تعطیل به سر می‌برند.

فرانسیس کورتو - لوموند

بودن تکنولوژی است. تکنولوژی دوزخ‌زد که از داخل می‌رود و تکامل می‌یابد پایه استواری برای توسعه اقتصادی یک کشور فراهم میکند در حالیکه تکنولوژی وارداتی اگر بدقت از آن استفاده نشود به ایجاد یک اقتصاد وابسته منجر میشود. و اصولا تأملاتی فنی‌های موجود تولید اقتصادی خود را دقیقا نشناخته

دستگیری دانشجویان ایرانی در فرانسه محکوم شد

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران هموطنان مبارز و دلیر، خواهان برادران بیدار و آگاه: اطلاع یافتیم که هفته گذشته ۲۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی ضد امپریالیست منجمله طررفردان محاهدین خلق ایران توسط پلیس فرانسه دستگیر و مضروب شده‌اند. این دستگیری زغالی صورت گرفت که دانشجویان مبارز ایرانی به میدان جمهوری در مرکز شهر پاریس رفته بودند تا علیه تظاهراتی که قرار بود بوسیله عناصر طرفدار رژیم پوسیده و ساقط شده پیروی علیه انقلاب ایران برگزار شود اعتراض کنند. این واقعه یکبار دیگر نشان داد که سلطنت‌طلبان و امپریالیست‌های زخم‌خورده همچنان در کمین انقلاب خونبار خلق قهرمان ایران نشسته‌اند.

باشد اقدام به وارد کردن تکنولوژی‌های نو بکنند. تکنولوژی دوزخ‌زد بر پایه دانش‌های یک ملت بنا شده است و برای تکامل و تحول آن بهتر آنست که به این دانش‌ها افزود. اگر این دانش‌ها بطور متوازن در زمینه کلیه علوم و فنون پیشرفت کنند تکنولوژی مطلوب خود بخود نتیجه طبیعی آن

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

ما این عمل فاشیستی پلیس فرانسه که به حمایت از طرفداران شلایم مخلوع صورت گرفته شدیدا محکوم. از خواست‌های دانشجویان ایرانی، منتهی بر موضع‌گیری قاطع و شدید سفارت و دولت ایران علیه پلیس و دولت فرانسه حمایت می‌نمائیم. تاکید میکنیم که دشمن اصلی خلق ایران و همه خلق‌های جهان همچنان امپریالیست‌های جهان‌خوازند. امپریالیست‌هایی که خلق قهرمان الجزایر، ویتنام و غیره را قتل‌عام کردند و هم‌اکنون در جنوب لبنان و نیکاراگوئه بمب خوشه‌ای بر سر مردم فرو می‌ریزند. همان‌انسی که یک روز شاه دیکتاتور را بر ما حاکم کردند و جوانان ما را شکنجه نمودند و ۴

خواهد بود. رقابت بین تکنولوژی دوزخ‌زد و تکنولوژی وارداتی که با سوءسیاست به اضمحلال اولی و وابستگی دومی به کشور صادر کننده می‌انجامد یکی از مشکلات عمده کشورهای روبه رشد داندنخاب یلکسیستم دوزخ‌زد تکنولوژیک بوده است و تنها مطالعات گسترده در این زمینه می‌تواند خطرات ناشی از آن را کاهش دهد. پرویز توفیقی

جبهه ملی

خرداد و ۱۷ شهریور برای ما ساختند. و امروز در سنای سر-دمداران آمریکا برای جانین ضد خلق اشک تمساح ریخته دادگاه-های انقلابی را تخطئه میکنند. و از طرف دیگر پلیسشان در مرکز پاریس دانشجویان مبارز ایرانی را دستگیر مینمایند. این نمونه و صدها نمونه دیگر همه گویای این مسأله است که برای حفظ دستاوردهای انقلاب خونین خلق و استمرار آن باستانی مرچه قاطعیت و متحدرت مبارزه ضد امپریالیستی را ادامه داد. مرکز بر امپریالیسم مرگ‌بر حامیان شادخان مرگ‌بر حامیان بقایای رژیم منفور پهلوی درود بر میاوزات خلق‌های تحت‌ستم «مجاهدین خلق ایران» خرداد ۵۸

بیانیه شورای کارکنان نفت در باره قطعنامه سنا امریکا

شورای موقت کارکنان صنعت نفت ضمن محکوم کردن قطعنامه سنا امریکا اعلام کرد صبیونیسیم یکبار دیگر تزه‌یگردان دیپلماسی آمریکا شد و صدای نکرودندان نیز آن از حلقوم و دهان امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا خارج و بسامخ نمود. تصویب بالاجماع قطعنامه‌سنای آمریکا منتهی بر ابراز انزجار از اعدای انقلابی ایران، و دعوتی که از همه جهان‌یابان کرده‌اند که انقلاب ایران را محکوم کنند، به صحنه گردانی سناتور جاگوب (بعقوب) جاویش صبیونیست مشهور آمریکائی و رفیق گرما بهو گلستان شادخان و حقوق‌بگیر و مزدور رژیم منفور گذشته، نشان دهنده خشم روبه انفجار امپریالیسم از انقلاب اصیل اسلامی ملت ایران است که می‌رود به لطف خداوند ستدراز عجاوز و تطاول سیاسی،

قوه قضائیه مستقل شرط استقرار حاکمیت است

کنکره سراسری وکلای دادگستری کشور پس از چهارروز بحث و گفتگو با صدور قطعنامه‌ای بکار خود پایان داد. در قطعنامه آمده است طرح قانون اساسی باید هرچه زودتر در معرض افکار عمومی قرارگیرد و قبل از رفتن مردم مورد تصویب مجلس موسسان قرار گیرد و مراجع مستقیم به آراء عمومی قبل از تصویب طرح قانون اساسی در مجلس موسسان مقرون به صلحت ملت نیست. همچنین در قطعنامه گفته شده است تضمین آزادی کامل مطبوعات و انتشارات و استفاده مساوی همه احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌ها از وسایل ارتباط جمعی لازمه تدوین صحیح قانون اساسی و انتخابات صحیح مجلس موسسان است و قوای سه‌گانه باید از یکدیگر منفک باشند و قوه قضائیه مستقل و منفک از قوای دیگر شرط لازم و اصلی استقرار حاکمیت مردم است. دولت باید برای برقراری سیستم قضائی صلاحیتدار قوه قضائیه و سازمان‌های صنفی و کلا قرار دهد.

دعوت حزب ملت ایران

در گرامیداشت هرچه با شکوهرتر، خجسته روز خلق بد، روز بیست و نهم خرداد ماه، روز به‌تور رسیدن مبارزات ضد استعماری ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق بکوشیم. این پیام کمیته برگزاری است.

یک میلیارد ریال وام به کشاورزان پرداخت شد

بانک تعاون کشاورزی ایران در فروردین ماه سال جاری بالغ بر یک میلیارد و ۱۱۴ میلیون ریال وام به کشاورزان کشور پرداخت کرده است. سخنگوی بانک تعاون کشاورزی ایران اظهار داشت از وام‌های پرداختی مبلغ ۸۸۶ میلیون ریال آن در اختیار شرکت‌های تعاونی روستائی قرار گرفته تا به کشاورزان عضو شرکت‌ها پرداخت شود و بقیه را بانک راسا به کشاورزان اقصی نقاط کشور پرداخته است. سخنگوی بانک تعاون کشاورزی ایران اعلام کرد در فروردین ماه سال جاری این بانک ۹۲۹ میلیون ریال برای امور جاری کشاورزی، ۲۷ میلیون ریال برای آبیاری، ۳۱

حیات تحریریه

اینجانب محمدرضا افصح دانشجوی سابق دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران در خردادماه چهل‌ودو همراه عده دیگری از دانشجویان بعلمت ارگان دادن به کارهای جبهه ملی- شرکت در انتخابات کنگره جبهه ملی- شرکت در تظاهرات خرداد چهل‌ودو از دانشگاه مذکور اخراج شده‌ام تاکنون علیرغم دعوت کلیه دانشگاه‌های مملکت از دانشجویان اخراجی سیاسی، دانشگاه ملی ایران هیچگونه اقدامی در این مورد ننموده است. ممتنی است ایمن موضوع را در آن چهره محترم درج و علت آنرا که امری مهم و مردمی است که مسئولان مربوطه آنرا بعهده تعویق می‌اندازند پرس و جو فرمائید لازم میدانم که اضافه نمایم با تحقیقاتی که نموده‌ام یکی از دانشیاران که در عین حال معاون مستعفی آموزشی دانشگاه حقوق است در این راه‌بارها تذکر داده ولی رئیس و سرپرست آموزشی دانشگاه ملی باین امر انقلابی توجیهی ننموده‌اند که معاون آموزشی مذکور بعنوان اعتراض با مرفوق استعفاء کرده است. با عنایت بر مراتب بالا یکبار دیگر بعنوان یک دانشجوی اخراجی سیاسی دانشگاه ملی ایران تقاضا دارم این مطلب را اعلام و مجوز و علت آن را پیگیری فرمائید. با احترام محمدرضا افصح

نویسنده: دکتر ناصر تکمیل همایون

زبان فارسی را پاس می داریم

زبان هرقوم و ملت به گونه نشانه های «صدائی» بیان کننده خواستها و مفاهیم حیاتی و اجتماعی آن قوم و ملت است و اگر آنرا ضحیر و یا وجدان ملی و تاریخی بدانیم، سخن نادرستی را بیان نکرده ایم. کتابت هرقوم و ملت به همین اعتبار نشانه های «عینی» همان وجدان بیدار بشمار می رود که در پیوند با تاریخ، جاودانگی ملت یا جامعه کامل را در استمرار فرهنگی بیان می دارد.

مردم سرزمین تاریخی ما در زبان اوستائی و فرس باستان و پهلوی تداوم فرهنگی خود را در گفتار و نوشتار نشان داده اند و از آغاز دوره اسلامی با رواج زبان دری یا پارسی یا پارسی دری، در پیوند با گذشته تاریخی خود و بهره مندی از تعالیم مذهبی و میراثهای فرهنگی و اخلاقی در هر دو زمینه یاد شده (بیانی یا گفتاری و کتبی یا نوشتاری) توانسته است یکی از زیباترین و پربارترین زبانهای هند و اروپائی را بسازد و بکاربرد و به کمال نزدیک تر سازد و با خلق نفیس ترین و پر

ایشنا به خوبی نمایانگر این امر است. این زبان الفسونگی، بسان دیگر زبان های جهان بی حرکت و لایتغیر نبوده است. با اینکه شعر زیبای «بوی جوی مولیان...» را وقتی جوانان امروز ایران می خوانند اگر ندانند از رودگی سمرقندی است، گمان خواهند برد که سروده یکی از شاعران جوان مبین ماست. با این همه زبان امروز فارسی، زبان دوره رودگی نیست. ما یورش ترکان و مغولان وایلخانان را دیده ایم. در دور معاصر متاثر از عثمانیان متاخر و فرنگیان شده ایم. ادبیات

آنچه بد ما وحدت و هویت ملی می بخشد اسلام، زبان و ادب فارسی است

مشروطیت و نثرهای سیاسی دوران پس از جنگ را شناخته ایم و در دهه اخیر بسا نوعی ادبیات مذهبی - سیاسی آشناتر شده ایم که هیچگاه سابقه ای از آنرا در تاریخ ادبی خود ندیده ایم و نشسته ایم. این امرهای اجتماعی و تاریخی، بی شک زبان امروز ما را در مرحله ای فرارزاده است که توجه به آن امر از پاکسازی یا غنا بخشیدن، باید یکی از اساسی ترین وظایفهای کارشناسان زبان و سازمانهای گوناگون زبان شناسی و ادب قرار گیرد که متأسفانه مدتی است بدون دلیل در کارهای آنان وقفه و ناامنی بوجود آمده است. اگر «نگرانی» و «دلواپسی» نویسنده مقاله از این جهت است، باید بلا حق داد و بعقیده نگارنده جامعه نمی تواند آرام به نشیند و جامعه خود حرکت های فرهنگی خود را به نوعی سامان می دهد اما حمایت و رهنمود دست اندکاران سیاست فرهنگی بسی شک جلودی بسیاری از سردرگمی ها را خواهد گرفت و به پیشرفت زبان از همه لحاظ مدد خواهد رساند.

اما اگر روتق گفتگوی مردم به زبان ایران سه کمیته به نامهای زبان شناسی «متأسفانه تاکنون از مراجع مسئول مثل وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و علوم قاطبیتی دیده نشده است کهما نیز به انکای آن اطمینان داشته باشیم از این پس فرهنگ ما، زبان و ادبیات ما و یکپارچگی ملت ما از میان نخواهد رفت» نگارنده نمی داند که مراجع مسئول وزارت آموزش و پرورش در این مورد چه تصمیمی گرفته اند و چه برنامه هایی در پیش دارند اما در وزارت فرهنگ و آموزش عالی به این امر کاملاً توجه شده است.

ایران سه کمیته به نامهای زبان شناسی

در هفته نامه جنبه ملی ایران (شماره ۱۴) مقاله ای تحت عنوان «زبان فارسی را پاس داریم» درج شده بود که در آن به دنبال تجلیل از انقلاب اسلامی ملت ایران و شکوه تظاهرات بی نظیر مردم آمده بود: «اما این نمایش بزرگ آنها با کدام وسیله ارتباطی گسترش یافت؟ مگر جز «زبان فارسی» وسیله دیگری برای ایستادن اشتراک داشته ایم؟ مگر وحدت مردم ایمن سرزمین به جز در امکان ارتباط فرهنگی آنها و از طریق زبان فارسی است و امروز این نگرانی بردیگر دلواپسی های ما افزوده شده است که می آید از زبان فارسی به پیش و بزرگترین سرمایه فرهنگ ما را در معرض خطر قرار دهد.» نویسنده مقاله با دقت فراوان و بلرستی زبان فارسی را در انقلاب ما بگونه «وسیله ارتباط» مردم شناخته است و این امر کاملاً چشمگیر بوده، و قومهای مختلف میهن ما هر چند در منطقه های خود با گویشها و لهجه ها شعار داده اند و به زبان ترکی و کردی فریاد اعتراض خود را به گوش جهانیان رسانده اند اما آن عامل وحدت دهنده در سرتاسر ایران زبان فارسی بوده است. به دیگر سخن محتوای انقلاب دیانت مقدس اسلام بود و شکل بیان کننده آن

رهنمود دست اندر کاران سیاست فرهنگی جلوی سردرگمی را خواهد گرفت

بازترین آثار خطی به این زبان، یکی از غنی ترین ادبیات جهان را به یادگار گذارد. در گذشته های دور و نزدیک همین زبان بی هیچ فشار و سیاسی مرزهای جغرافیائی و ملی را در توردیده و در شبه قاره هند و آسیای صغیر و بالکان نفوذ تاریخی باقی نهداده است. اهمیت این امر موقعی روشن می شود که بدانیم زبان ترکی پیش از سه قرن نتوانست در امپراطوری وسیع عثمانی حتی بگونه یکی از کوچکترین «عامل های وحدت» در آید. با لکنائیزاسیون اروپا و یا نهضت های ممالک عربی و مشکلات آرامنه و جز

زبان فارسی - یعنی، اندیشه های حرکت آفرین جامعه با اسلام و آموزشهای والای آن پیوند داشت و آوای بیرون آن زبان رودگی و فردوسی و پروین اعتصامی و یک بار دیگر معلوم شد آنچه در تاریخ بصا وحدت و هویت ملی می بخشد اسلام و زبان و ادب فارسی است و تا آنجا که زمانه شهادت می دهد و بقول نویسنده، انقلاب مردم میهن ما نیز درستی آنرا به ثبوت رساند. این زبان پویائی و کارائی خود را نگاه داشته است و به همین دلیل «نگرانی» و «دلواپسی» در نابودی این زبان مبتنی بر ذهنیات است.

جنبه ملی

و گویشهای ایرانی - ادب فارسی - شعر و ادب معاصر با شرکت متخصصان طراز اول و علاقه مند به فرهنگ ایرانی تشکیل شده است. فضلا و استادان شرکت کننده در ابعاد مختلف درباره زبانهای و گویش و لهجه های موجود در ایران خط مشی جدیدی ارائه داده اند.

زبان فارسی وسیله ارتباط همه مردم ایران در انقلاب اسلامی بود

تقاضا خواهد شد تا درباره آن منشور آزادی ملی، در پیوند با اصیل ترین دست آوردهای انسانی و اجتماعی همین اظهار نظر نمایند.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در به کار انداختن بنیادهای فرهنگی موجود و فرهنگستانهای گوناگون و ادغام آنها و تاسیس فرهنگستان ملی ایران که بتواند پاسدار موارث تاریخی ملت مسلمان ایران باشد و نیز حرکت جدید فرهنگی در جامعه انقلابی ما ایجاد کند، تلاش می نماید. امید است نویسنده مقاله «زبان فارسی را پاس داریم» و همه خوانندگان هفته نامه جنبه ملی ایران باور دارند روشن بینان و مبارزانی که برآستی به انقلاب اسلامی ملت ایران دل بسته اند، به زبان فارسی هم دل بسته اند. آنان می دانند که بخش عمده ای از معارف عظیم اسلام وسیله این زبان نگهاری شده است.

دلواوری که در صغیر گلوله ها نام جاودانه رهبر انقلاب را بگونه فروریزاننده همه «فد فرهنگها» و یا «ارزشهای طاغوتی» به زبان می رانند و جان به جان آفرین تسلیم می کنند در احوالشان قلم فرخی سیستم گواهی می دهد:

دل بدان یافتی ازمن که نکو دانی خوانند مدحت «خواججه آزاده» به الفاظ دری

پایان

تاریخچه شیر و خورشید در پرچم ایران

خورشید بود. در دوره محمد شاه برای اینکه بیرق رسمی ایران بالاخره یک علامت معین و واحد گردد شمشیر ذوالفقار را به دست شیر دادند تا حامی و حافظ استقلال ایران باشد.

درومان صدارت امیر کبیر صدر اعظم وطن پرست و با کفایت ایران زمین اصلاحات عدیده ای که بعمل آمدند علامت شیر و خورشید بر روی پرچم لیباس ماموران دولتی و سرایان نصب گردید. در ۲۹ شعبان ۱۳۴۶ هجری قمری در دوره مشروطیت الوان رسمی بیرق ایران طبق اصل پنجم قانون اساسی ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید اعلام گردید که رنگ سبز در بالاشانی از مذهب اسلامی و شیعه اثنی عشری و رنگ سفید نشان صلح دوستی و آرامش طلبی کشور است و رنگ قرمز

که چون ماه ترکان برآید بلند از خورشید ایرانش آید گزیند از دوره آغامحمدخان سکه طلائی در دست است که روی آن شیری خفته با دم علم کرده دیده می شود که در پشت آن خورشیدی در حال طلوع دارد. بجای صورت خورشید نوشته شده یا محمد وزیر شکم شیر نوشته شده یا علی. در سفرنامه ای که «مورس» دوکوتوبوی روسی در سال ۱۸۱۷ میلادی نوشته بیرقی از چسازه سوادان ایرانی را نقل می کند که شیر خفته ای را نشان می دهد که خورشیدی طالع بر پشت دارد. در نامه ای که شیخ محمد بن خلیفه حاکم بحرین در ۱۲۲۸ به فتحعلیشاه نوشته چنین آمده است: «و راجع به بحرین بعد از مبلغی که تعیین و برقرار شده اسناد و

بقیه از صفحه اول اینکه معاویه در هنگام مبارزه با حضرت علی (ع) بر سر خلافت اوراق قرآن را بر سر نیزه کرد. به تدریج اعراب به این فکر افتادند که بر روی آیات و لواهای خود به سبک معمول در دوره ساسانی طرازی بندگی کنند و بر آن آیات منتخبی از قرآن کموبعد فتح و ظفر آنها باشند بنویسند. جالبتر از همه مدارکی که درباره بیرقهای دوره صفویه در دست است تصاویری است که مورس هربر فرانسوی در کتاب خود بنام «صغیر ایران» به دربار لونی چهاردهم آورده و در آنجا محمد رضاییک سفیر ایران را در پاریس نشان می دهد. در چند تصویر از این مجموعه تصاویر ذبقتی بیرق ایران کمر عقب سفیر توسط علمدار حمل می شود به چشم می خورد و کاملاً شکل بیرق ایران را در آن زمان به دست می دهد. روی این بیرق دو زبانه شیری ایستاده تصویر شده که خورشید تمامی در بالای آن درآسمان دیده می شود.

همانطور که گفته شد در آثار هنری عهد صفویه از یافته های زری و قالی گرفته تا روی سکه ها نقش شیر و خورشید مشاهده می گردد. آنچه مسلم است از زمان شاه عباس صفوی شیر و خورشید ارزش خاصی در ایران یافته، شوالیه شاردن سیاح معروف فرانسوی می نویسد «مولان باستان آورده اند که ایرانیان قدیم چون می خواستند خورشید را رسم کنند آنرا برچهره شیر می کشیدند زیرا که چگون خورشید در برج شیر باشد از موقع دیگر بیشتر نیرو دارد.

از سوی دیگر شاید صفویه به رقابت با عثمانیان و با در نظر گرفتن سوابق موجود در تواریخ به فکر افتادند که چون دولت عثمانی علامت ماه و ستاره را نشان رسمی خود قرار داده آنها نیز با در نظر گرفتن آنچه فردوسی سخنور بزرگ ایران زمین آورده نشان شیر و خورشید را برگزینند. پس آنگه چنین گفت کاری بخردان من ایسودن شیشه ستم از موبدان

از سخنان هموزم فروهر خلیج فارس نامی است تاریخی که هیچ قدرت بشری توانائی دگرگونی آن را ندارد

نشریه دانش آموز مبارز ۱۳۵۸/۳/۸

قیوضی به جناب میرزا مهدی خان تسلیم و سپرده شد که هر سال به خزانه علاوه دولت علیه خواهم پرداخت و علم شیر و خورشید در خاندان خود همه وقت رسم و بر قرار نمودیم. در آثار دوره قاجاریه به کرات به نقش شیر و خورشید بر روی پرچم و سکه ها بر می خوریم، بنابه نوشته ها و اسناد تاریخی می توان گفت که از دوره محمد شاه شیر و خورشید علامت رسمی دولت ایران گردیده است. علت اینکه در زمان محمد شاه شمشیر به دست شیر داده شده ایستکه تا عهد فتحعلی شاه ایران دویبق داشته که یکی از آنها شمشیر ذوالفقار علی و دیگری شیر و

بر اساس بخشنامه ای که از سوی فرمانده دژبان مرکز صادر شده اعتصاب و آشوب ارتشی ها در یادگانهای متنوع شد و اگر چنین کنند برای نخستین بار به آنها اختصار میشود تا متفرق شوند در غیر این صورت با اسلحه سرکوب خواهند شد. متن کامل بخشنامه چنین است: من امر میکنم پرسنل دژبان مرکز چنانچه (افسران، درجه داران، سربران) در داخل یادگان اعتصاب یا شورش نمایند برای اولین بار



تظاهرات علیه امپریالیسم در این مراسم تظاهرکنندگان در مقابل سفارت آمریکا در تهران اجتماع کردند و پرچم این کشور را به آتش کشیدند همچنین

از سوی فرمانده دژبان اعلام شد اعتصاب و شورش در ارتش سرکوب میشود

اخطار و در صورت متفرق نشدن نامبردگان با اسلحه سرکوب شوند. در غیر این صورت مسئولین (افسر - درجه دار) خلع درجه خواهد شد. فرمانده دژبان مرکز - سرکوب عزیزاله امیر رحیمی در این بخشنامه تیمسار امیر رحیمی گفت در تمام ارتش های جهان جزای شورش در یادگان سرکوبی است قوانین نظامی ایران نیز چنین می گوید. اگر بخوایم نظم ارتش را مراعات کنیم باید نگذاریم ارتش